



کارگران جهان متحد شوید!

رزمندگان

ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

سال اول شماره ۱۰ - دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ۵۹ - ۲۵ ربیع

«کمونیست‌ها هرگز به مردم دروغ نمی‌گویند. کمونیست‌ها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی‌کنند. کمونیست‌ها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و روشنفکران انقلابی متکی هستند.»
(ولادیمیر ایلیچ لنین)

چه کسانی بِنفع
امپریالیسم
عمل می‌کنند؟
کمونیست‌ها
یا
هیأت حاکمه؟

نقدی بر قطعنامه راهپیمایی "فدا بیان خلق"

تعیین و تأیید سیاست‌های مترقی‌تر در سیاست عمومی هیئت حاکمه بوده است. جناح‌های مورد علاقه فدا بیان در درون قدرت حاکم ثابت نبوده و هرگاه دست‌آشتی و مسالمت رفتار را نمی‌پذیرفته است جایگزین را "جناح مترقی و فدا میرالیست" دیگری می‌گرفته است. نوع برخورد آن‌ها هیئت حاکمه آنچنان بوده است که همواره ما هیئت آنرا مخدوش کرده و مرز دوستان و دشمنان خلق، مرز انقلاب و فدا، انقلاب را تا درون هیئت حاکمه گسترش داده است و برآورده‌های سازمانی و هوادارها "یا یکسایه توده‌ای" سازمان تشکیلاتی و مبارزه است. اشکال و شیوه‌های مبارزه است. بقیه در صفحه ۵

قطعنامه راهپیمایی - سیسی سازمان "س. ج." "بنیاد فطری رابطه آمریکا با ایران" تار و پودر آن است. سیاست برخط سازگارانه، سهام خلقی و غیر پرولتری که با افت و خیز در سیاست سازمان پیش می‌رود در نهایت تنها می‌تواند برای حزب بوده و نیروها شبکه انحراف سازمان - بنیاد انقلابی متحلمان را فراختر می‌کند و میدان رشدشان را با زتر می‌مکند، شادی آور باشد. خط فدا بیان خلق از قیام بدینسو - بی آنکند گذشته آن مورد بررسی باشد. نوسانات پرمایه‌ای داشته است. راستای اصلی این نوسانات سیاست سازش با هیئت حاکمه از طریق جستجوی جناح‌های مترقی و انقلابی و

گردستان و بیانیه‌های ارتش

به ما جهت ارتش نمی‌بزرده‌اند، سبتر ارتش‌های دیکتر نیز به ما و ما در برابر آن بردا - حنا اند. حتی اخبار آنسور شده و سیاست‌های مکرر ارتش برای امرکواهی می‌دهند. لکن آنجکه در اینجا اهمیت دارد درک دقیق اوضاع ایران و گردستان و جایگاه مبارزه جاری خلق کرد در مبارزه عمومی خلق ایران می‌باشد. دولت جمهوری اسلامی کوسن زیادی بحرج داده است که با نمود کند در گردستان اس خلق کرد نیست که مبارزه کند می‌کند. خط خالی جلاد که مورد سبتر عمیق خلق کرد است می‌گوید:

شهرهای گردستان مورد هجوم وحشیانه ارتش و سبتر و ران قرار گرفته است. شترخ و بخصوص سبتر محاصره شده اند. توب و تانک جمپوری اسلامی بد کوبیدن خانه‌های مردم مشغول شده اند. فالتو - میای آمریکا بی بدیمساران شهرها مشغول شده اند. ارتش جمپوری اسلامی ایران بفرماندهی نامیرها و فلاحی‌ها، به بیانیه دفاع از مرزها پدا اشغال شترهای گردستان بردا خند و بدیمسارانه مرکوبی و نجا وزارتین عراقی به کنترا خلق قهرمان کرد کمربستد است. زحمتکشان گردستان که بنا به شرایط مبارزه در کردستان زود سبتر ارتش‌های دیگر

نمیدر صفحه ۱۳

اینروزها همه جا صحبت از نجا و نجات می‌آید آمریکا به ایران، با ختن پایکند در اطراف طیس، بنیاد کسردن کما ندها و نجرهای آمریکا - بی درخسان و در فرد کواهی می‌آید تهران است. اخبار و روایات بی‌انکر بسیاری چیزها هستند. چند هوا بیماهای غول پیکر آمریکا - بی وهلی کوبتدر منطفدای نوردیک طیس فرود آمدند و نیروهای خود را پیاپی ده کردند. منطفد فیلاً منطفد بود. یعنی بد نحوی درست شده بود که هوا بیماهای آمریکا بی بنوا سبتر اجت فرود می‌بند. این و استعداد از تمام فحلی کوبتدرها (با هر چیز دیگر) توسط آن سبتر بیس و سخنگوی کاخ سفید و اشکتین اعلام میشود. آنکا در مردم ایران و دولت می‌فهمند که آمریکا تنها عملیاتی در ایران انجام داده اند.

سخنی با هواداران!

وحدت کمونیستی در درجه اول مسلم و وحدت اندو - لوریک است. در این مرحله ارتش کمونیستی، ایس وحدت از طریق مبارزه اندو - لوریک بیس فطریاتی اندونو - زنگ - سکلیایی که سبتر سبکل می‌کند نذا می‌مستود.

- در صفحات دیگر میخوانید:
- * - پیام "سازمان" به مناسبت سالگرد شهدای رزمندگان.
- * - موقع شناسی هیئت حاکمه
- * - مبارزان هلی کوبتدر حمل استادی
- * - مبارزه فدا میرالیستی ارتش اسلامی
- * - اطلاعیه بیوستن یک یخس از "مبا"
- * - زمین آزادی خلق ایران "به سازمان رزمندگان"
- * - خرد بورژوازی و انقلاب (۷)
- * - اخبار جنبش
- * - اطلاعیه‌های سازمان در مورد تاجوز آمریکا و بمب کذاریها
- * - و.....

کارگران جهان متحد شوید!

سرمقاله ...

که در زمانی که هلی کوپترها و هواپیماهای آمریکا بی در طین بودند، یک هواپیما برای زنجرد مهر آید قرو و آمده است و بعد که عملیات ناموفق بوده گریخته است و حتی بگفته، حجت الاسلام هادی خسرواھی، نقسل و انتقالات نظامی در منظریه که قرار بوده است اشغال شود صورت میگیرد.

این واقعه تنها ازیا ست تجا و زکارانه امیرالیم آمریکا در ایران پرده بر داشت، بلکه حقایق بسیاری را در مورد حکومت کنونی نیز افشاء نمود. ما این حقایق را در اینجا با زگو میکنیم.

فلاحی، فرمانده نیروهای زمینی اعلام کرد که: «اولاً امر یکایی ها همه نقاط کشور را در راهی ما را میداند و تا نیا ما در آن موقع (یعنی موقعی که امیرالیم آمریکا در حال پیدا کردن نیرو در طین بود) در غرب کشور مشغول سرکوب ضد انقلاب بودیم. بنی صدر نیز اعلام میکند: «این جریان جزئی از یک توطئه است که در نباله آن در کردستان است...» اما اگر حکومت اینگونه سعی در پوشاندن واقعیت جریان دارد، خود واقعیت دست حکومت و عوامل آنرا بخوبی رو کرده است. نگاهی به وقایع قبل از فرورد هواپیماهای آمریکا بیبا نندازیم:

به استکا ر حزب جمهوری اسلامی ایران و شورای انقلاب و با تا نیدکل هیات حاکمه آنها جمو سوع علیه دانشگاها آغا زمشود، مزدوران و فالانزها به خیا یا آنها میریزند. همه جا با قمه و چماق پیله نیروهای انقلابی حمله ور میشوند. بنی صدر مردم را به دانشگاها میکشاند تا کار دانشجویان انقلابی را یکره کند و بهیانه انقلاب فرهنگی چنان توده های مردم را به مقابله با انقلابیون میکشاند

و چنان پاسداران و فوالانزها را در کشتار آزادمیگذا رده که ۱۶ آذرها و ۱۳ آبا آنها تحت الشاع قرار میگیرند: دولت اعلام میکند که در دانشگاها عوامل آمریکا! میچنگد!

در همین حال ارتش نیروهای خود را از افهان تهران، خوزستان و هرجای دیگر به کردستان گسیل میدارد. خلق کرد در محاصره تنگ ارتش قرار میگیرد. هلی کوپترها و فانومهای آمریکا بی، بمباران شهرهای کردستان بخصوص سنندج را آغا زمیکنند و آدیوو و تلویزیون اعلام میکنند: که در کردستان با عوامل آمریکا! و آمریکایی ها میچنگد! چه در دانشگاها و چه در کردستان حکومت ضد انقلابی پیشقدم حمله به خلق و نیروهای انقلابی است.

تبلیغ علیه نیروهای انقلابی بتعقیب آنها، اشغال چاپخانه ها و محدود کردن امکانات انقلابیون همراه این جریانات به پیش میرود.

در همه موارد فوق، هیات حاکمه کوشش وسیعی بخرج میدهد تا زیر نام مبارزه با امیرالیم ارتش را انقلابی و به اصطلاح اسلامی بنمایاند. فلاحی میگوید: «ارتش از حمایت قاطبه مردم ایران برخوردار است. ارتش اسلامی است! حکومت همه قوای خود را به سرکوب مردم مشغول میکند. از یک طرف در همه جا به ایجاد اغتشاش و انحراف توجه تودها از مسایل اصلی انقلاب و مبارزه طبقاتی و از طرف دیگر به تقویت ارگانهای نظامی و سرکوب میبرد. آذ! ارتشی که ساخته دست شاه است و آمریکا بود، و امثال فلاحی ها شاد مهربا، شاکرها، قهرنی ها با قری ها یعنی همه خادمین سابق شاه در رأس آن هستند و قانون اطاعت کورکورانه بر آن حاکم است، آکاها نه خود را تطهیر میکنند و هیات حاکمه

نیز در این راه نهایت کمک را مینماید. بنا بر این کاملاً واضح است که عامل اصلی وقایع اخیر در کردستان دانشگاها حکومت میباشد. این حکومت بود که تعرض به نیروهای انقلابی را آغاز کرد و نیروهای انقلابی و دانشجویان و خلق کرد از حق ساد خود یعنی مقاومت یا مقابله در مقابل تعرض استفاده کردند. واضع مغشوشکنونی محمول عملکرد های هیات حاکمه است. اینک رژیم تبلیغات وسیعی در مورد رابطه داشتن جریانات کردستان و دانشگاها بنا کرده است. شکی نیست که چنین رابطه ای موجود بوده است. امیرالیم آمریکا که انتظار داشت رژیم جدید ایران به سرعت نیروهای انقلابی توده بهیجان آمده از انقلاب را سرکوب کرده و همه چیز را بشکل سابق در آوردا کنسون از وسعت ابعاد جنبش توده ای و ناتوانی رژیم در سرکوب آن به تنگ آمده و سیاست تعرضی را پیش گرفته است. سران و بسته ارتش و سرمایه داران وابسته و عمال و جا سوسان آمریکا در داخل و خارج نیز از هیچ تلاشی برای خدمت بآمریکا و روی کار آوردن یک رژیم صدر و وابسته کوتاهی نمیکند. متقابلاً رژیم ایران که با بحران اقتصادی و جنبش توده ای نیرومند و روبروست تنها راه چاره را در سرکوب میبیند و با این کار خود عملاً به منافع آمریکا خدمت مینماید. واقعیت نشان میدهد که زمان تجا و ز نظامی آمریکا با ایران بهیچ وجه تما دفی نبوده است. امیرالیم آمریکا و مزدوران داخلی آن این موقع را کاملاً مناسب تشخیص داده بودند زیرا حکومت از یک طرف با سرکوب و خشیانه و بیرحمانه خلق کرد (سرکوبی آنچنان سبک نه که تا بحال سابقه نداشته

است) و از طرف دیگر با حمله به دانشگاها و مراکز علمی بهیانه پوچ انقلاب فرهنگی آن جو آشوب و ناامنی را که برای انجام چنین عملیاتی مناسب است با دست خود فراهم ساخته بود. بیه ماسیل دانشگاها و کردستان به تجا و ز نظامی آمریکا مربوطند ولی نه آنچنان که مترجمین خائن و سران رژیم میگویند. این نیروهای انقلابی و خلق کرد نیستند که در خدمت آمریکا بند بلکه این رژیم ضد انقلابی ایران است که عملاً با انجام چنین اعمالی بمنفع آمریکا کار میکند. حکومت که دسته دسته ساواکیها را عفو میکنند و مقامات بالا را با آنها میبرد عملاً دست آنها را در انجام عملیات خائنه ای مانند انفجار ریمب و کشتار مردم بی گناه بازمیگذارد. تمام نیرو و انرژی سران رژیم بجای اینکه مبارزه با آمریکا را مد نظر داشته باشد (آنچنانکه خود بدروع میگوید) مصروف سرکوب نیروهای انقلابی و محدود کردن آزادیهای سیاسی میشود. رژیم نیروهای واقعا ضد امیرالیم است و آزاد دیهای دموکراتیک را که لازم شرکت فعال توده ها در مبارزه ضد امیرالیم است هستند نا بود مینماید و این بزرگترین خدمت با امیرالیم است.

آمریکاسی میکند حکومت مرکزی کنونی را از هر لحاظ وابسته نماید. اینکه حکومت کنونی در خدمت با زسازی نظام سرمایه داری وابسته است، برای منافع آمریکا کافی نیست. امیرالیم آمریکا و بستگسی عمیق، همه جا نبه و آشکار لحاظ اختلافات میان حکومت و امیرالیم آمریکا، اختلافی نه بر سر سیاست سرمایه داری وابسته (حفظ و ایامه)

آن) بلکه بر نحوه و دامنه وابستگی به آمریکا است که در این گیرودار با مسایل داخلی آمریکا نیز ترکیب شده است.

حکومتی که ادعای مبارزه با امیرالیم را دارد، در واقع با اقدامات خود راه را برای نفوذ آن عملکرد و گسترش عمل مستقیم آن در ایران آماده میکند. اینک برهنگان روشن شده است که ارتش ایران در تجا و ز آمریکا همدست آن بوده است و در عین حال معلوم شده که بمب های منفجر شده کار عوامل آمریکا و سرمایه داران وابسته و مزدوران اجیر شده بختیار بوده اند (گروه با بنک خرم دین) رژیم بجای بردا ختن به این مسایل سعی میکنند با من زدن به جو نایمن و آشفته ز منیه ذهنی توده ها را آماده کنند تا راحتتر بتوانند به سرکوب بپردازند (سو استفاده از هراس توده ها) موقعیت کنونی بسیار خفراست با یدسی کرد از هرگونه تشنج و درگیری بیهوده پرهیز نمود. با ید روی نقش ارتش در این حمله تا کید داشت و سران ارتش را رسوا کرد، با ید نقاشی سیاست حاکمه را رسوا استفاد ده از اعمال آمریکا روشن نمود و در این شرایط با ید توطئه های آمریکا را که در شرف وقوع است برملا نمود (تیراندازی به سفارت و غیره) آمریکا در مد توطئه است و رژیم با اعمال خود عملاً بآن کمک مینماید با ید این مسئله تا کید کرد.

انقلابیون کمونیست نباید لحظه ای نقش ارتش را در اقدام اخیر آمریکا و نقش حکومت را در اینجا زمینه مناسب برای این امر ندیده بگیرند: تبلیغ و افشاء ماهیت کل دستگاها ی سرکوب و علی الخصوص ارتش یک امر اساسی است. همی بقیه در صفحه ۳

قیه از صفحه ۱۵

سختی با.....

از طریق مبارزه با اگونومیسم در سطح جنبش و در صفوف خود برنامۀ ایدئولوژیک سیاسی مشخصی برای ادا مه فعالیت خود تدوین کنند و از طرف دیگر افراد و محافل سیاسی پراکنده موجود با یدیا غلبه بر روحیه محفلی و تنگ نظرانۀ به یکسی از قطبهای جنبش کمونیستی که با آن وحدت ایدئولوژیک بیشتری دارند بیبوندند و فعالیت سیاسی خود را چه در زمینه عملی و چه در زمینه مبارزه ایدئولوژیک در رابطه با این قطبها و در درون آن ادا مدهند.

هما نظور که در "۱" اطلاعیه بر ما چه گذشت "۳" مده است، سازمان ما پس از یک بحران ایدئولوژیک - تشکیلاتی درونی بر نجا موفق شد برنامۀ ایدئولوژیک سیاسی مشخصی برای ادا مه فعالیت خود تدوین کند که انتتشار "رزمندگان" اولین انعکاس بیرونی این برنامۀ است. انتتشار رفتگی این نشریه علاوه بر وظیفه دفاع از خط ایدئولوژیک - سیاسی سازمان در سطح جنبش، در عین حال نقش آموزشی و سازماندهی مهمی برای افراد و محافل سیاسی هوادار دارد. تلاش ما اینست که خط ایدئولوژیک - سیاسی سازمان را بیما به خط سرخی در تمامی مقالات و شماره های نشریه حفظ کنیم.

بما اعتقاد ما تنها از این طریق است که میتوانیم به امروز و جنبش کمونیستی و تشکیل سازمان سراسری طبقه کارگر ایران خدمت کنیم. اما رفقا و محافل هوادار بیتنها - بی از عهده ما ساخته نیست. انتتشار "رزمندگان" بیسه خودی خود، وحدت ایدئولوژیک را بین سازمان و هوادار

را ن بوجود نخواهد آورد. و تا آن شریچندانی روی مبارزات توده ها نخواهد گذاشت. هواداران نیز باید بنوبه خود بکوشند بیسن "رزمندگان" و مبیسازات توده ها پیوند برقرار نمایند. ما در اینجا به یک سری وظایف مهم وجدی که در رابطه با انتتشار نشریه، بعهدۀ رفقای هوادار قرار میگیرد اشاره میکنیم و تدقیق این وظایف و تقسیم کار سازماندهی عملی آن را بعهدۀ رفقا میگذاریم.

۱) مساله توزیع و فروش و مظلعه نشریه: رفقا! از هر مکانی برای پخش و فروش نشریه استفادۀ کنید. سعی کنید نشریه به تمام دوستان و آشنا یان برسد. سعی کنید نشریه را بیسن همکاران خود، در بین اعضاء و محافل سیاسی بدون خط و یا هواداران گروهها توزیع کرده و آنها را تشویق به مطالبه آن کنید. مشکل بسودن نشریه دلیل قانع کننده ای در محدودیت پخش نیست یک نشریه نبا یحتماً تمام مقالانش برای خواننده قابل فهم باشد. درست است که این نشریه برای "کمونیست ها" و "پیشروان" منتشر میشود اما باید حوزه عملکرد آن گسترش بیشتری از مخاطب اصلی اش داشته باشد.

سعی کنید در سرعت و وقت نشریه را مطالعه کرده و بیساز رفقای خود و هواداران سازمانهای دیگر روی مطالب آن بحث کنید.

با استفادۀ از تحلیلهای سیاسی "سازمان" رهنمودهای خاصی برای عرصه های مختلف مبارزه طبقاتی که در برابر تنگنا خود درگیر آن هستید بیرون بکشید. مضمون مشخصی برای فعالیت های سیاسی خود

تعیین کنید. در هر شهر و روستایی که هستید اگر نشریه نمیرسد، هر طور که شده بیساز نزدیکترین مرکز پخش نشریه تماس بگیرید و تعداد نشریه مورد نیاز خود را برای توزیع تا مین کنید.

اگر در شهری غیر از محل سکونت خود امکاناتی برای توزیع نشریه سراغ دارید سعی کنید این امکانات را در رابطه با خود سازماندهی کنید. ۲) تهیه خبر و گزارش، مقله له و پیشنها دبه ارگان رسمی "سازمان": اخبار و گزارشات باید مستند باشد. اگر بیسه درستی خبر یا گزارشی که مینویسید مطمئن کار ممل ندارید یا قید کلمه "شایعه" یا "نیمه موشق" میزان صحت و سقم آنرا مشخص کنید، خبرها و گزارش هایی که میفرستید حتماً تاریخ داشته باشد و محل وقوع خبر را نیز در برداشته باشد.

موضوع اخبار و گزارشات شامل تمام مسائل مربوط به مبارزه طبقاتی اقتصاد و طبقات مردم در سطح کارخانه ها، مدارس و شهر و روستا است. تنها به کمک مجموعه این اخبار و گزارشات زنده از سر - سر کشور و اقشار و طبقات مختلف است که ما میتوانیم در هر لحظه درک عینی از وضع سیاسی کشور و کم و کیف مبارزه طبقاتی و روحیه توده ها در دست داشته باشیم و تحلیل و رهنمودهای درست ارائه دهیم.

برای اینکه اخبار و گزارشات شما دقیق باشد باید حتماً المقدور مستقیماً در مبارزات مردم شرکت کنید. هر هوادار فعالی در واقع حکم شاخک حسی ارگانیم تشکیلات را دارد و باید بعنوان بیسک خبرنگار و گزارشگر فعال مسائل را به مرکز سازمان

متعکس کند. تذکر یک مساله در اینجاست ضروری است. اگر ما روی اهمیت مساله را سال گزارش و خبر برای مرکز سازمان تاکید میکنیم به این معنی نیست که وظیفه شما صرفاً خبرنگاری و گزارشگری است بلکه مهمتر از این شرکت فعال در متن مبارزه طبقاتی و تا شریگذاری روی این مبارزات است. با ید بطور فعال در اشکال مختلف مبارزات طبقاتی در محیط خود، در پرتو رهنمودهای "سازمان" شرکت کرده و بیسه سهم خود مبارزه توده ها را هدایت کنید و با جریانات انحرافی و سازشکارانه و سایر نیروی دیگری که سعی در انحراف یا سرکوب مبارزه توده ها دارند بیگیرانه مبارزه نماید. حتی در مواردی که "سازمان" رهنمود مشخص نداده است، نبا ید دست روی دست بگذارید و منتظر رهنمود

سیاسی یا ارتباط تشکیلاتی با سازمان نیاید، بلکه باید خلاقانه و مبتکرانه، در خط عمومی "سازمان" در ایس مبارزات شرکت کنید.

۳) هرگونه فشارگری، بریده جراید، ترجمه مقالات و... را که برای انتتشار مقلید میداند و همچنین انتقادات و پیشنها دات خود را در مورد مقالات نشریه برای ما بفرستید.

۴) از آنجا که امکانات مالی سازمان برای انتتشار نشریه و دیگر فعالیت های انتتشاری و مبارزاتسی و گسترش دامنه فعالیت در سطح کشور، محدود است، لذا جمع آوری کمک مالی، از هواداران، چه بشکل منظم ما هیانه چه چند وقت یکبار و از سایرین کمکها به سازمان نقش مهمی در ادا مه کار

و گسترش فعالیت های سازمان دارد. این کمکها را بعنوان یک وظیفه انقلابی تلقی کنید.

۵) رفقای هوادار در شهر ستانها که ارتباط سیاسی تشکیلاتی با سازمان ندارند، با یدستی با تشکیل هسته ها و تشکل های هوادار، حول مضامین مبارزاتی که در منطقه خودشان وجود دارد، جهت تبلیغ و ترویج ایده های سازمان بکوشند. بیسفرقت کار این رفقا و گسترش مکانات سازمان شرایط ایجاد ارتباط تشکیلاتی را فراهم میکنند. نبا ید منتظر سازمان ماند. هر هواداری موظف به پیدا کردن هواداران دیگر و تشکیل هسته ها و محافل متشکل تر میباشد

با امید پیروزی را همان دستتان را میفشاریم.

بقیه از صفحه ۳
ظور، با ید به توده ها توضیح داد که این هیات حاکمه است که به انقلابیون تعرض میکند. این هیات حاکمه است که راه آمریکا را بازمیگذارد. و این هیات حاکمه است که اقدامات آمریکا را در ایران به بیانه ای برای سرکوب انقلابیون تبدیل میکنند. با ید به توده ها آموخت که این هیات حاکمه ضد انقلابی، در برابر امپریالیسم سرمایه اندازد و این توده ها هستند که با اتکاء به نیروی لایزال خود میتوانند پوزۀ امپریالیسم را بر خاک بمانند و سیستم موجود را نابود کنند.

بدون نابودی سرمایه داری وابسته خلق آزاد نمی شود.

نقدی بر

بر علیه شوراهای خرد بورژوازی
ای دربارۀ وحدت کلمه
و بعد از آن مبارزۀ طبقه کارگر
در این خلیج مبارزه می شود
و رکن در استعمال کلمه
خلق همگانی است و نه
شغالی آمریکا بر روی
آرد "حلقه" مجموعه آثار
آیا شما در قطعنا مدتها
بر تمام بیانات طبقاتی درون
خلق و بیوزۀ برقی رهیبری
پروپاگاندا در انقلاب که
بیروزی آنست بر سر
نکند اشتداید؟ آیا دعوت نامد
شما برای "وحدت و تکمیل"
همدیروهای مترقی حول
مبارزه فدائیمیریا لیستی. بنا
"وحدت کلمه" "آما" "بر علیه
شیطان بزرگ" در محسوس
چند نفیاتی دارد؟ و اعمی
جنش انقلابی ما و مبارزه
فدائیمیریا لیستی خرد بورژوازی
و از بی کدر نهاییت بلاگردان
بورژوازی تدبیر دیگر حقیقت
تاریخی لیستی را اثبات
نمود. این میگوید:

خرد بورژوازی و جناح
سیاسی آن در خاکستری
مبارزه فدائیمیریا لیستی
آمریکا بر روی و است
لیبرال ها در کراس و بطور
شمسی انتظار برای
فعال و یا محدود و رولت
را در آن سردرد آرد. و هیف
کارگران و سوسیالیست
سیاسی آنهاست که از این
مبارزه فدائیمیریا لیستی
حمایت کند. کار ۳۷

است بهیچانهای نسرانی
اعدا میهای حجابی و وحش
نه مبارزین خلقی عربند.
بل نکرده! اگر واقعیت
اینست پس چگونه نما خلقی
ایران و عراق را بدو وحدت
مبارزه علیه رژیم عراق
میخوانند اما مالدا ملتی
جنش انقلابی ایران یعنی
مبارزه فدائیمیریا لیستی
را با همان ماهیت تند
میگیرید. آیا ایران حکومتی
ما بعینه از خرابکارستان
دولت عراقی و تحولات آن
ایران برای انحسار
مبارزه فدائیمیریا لیستی
نمیبرد؟ آیا بدینجهت
ما عراقی را آمریکا متحد
را در گردان برای محمل
عام خلق کردستقر نساز
ند. خط فاصل شما در شرایطی
کدامین دور رژیم فدائیمیریا
تضاد جدت میگیرید با رژیم
چینست؟ در ۱۹۱۷ که
کورسیلیف بقصد سرکوب دولت
کرنسکی سوی بطور کسر
در حرکت بود. حزب بلشویک
با حکومت موقت کرنسکی
در اردوی کارگران درگیر
مبارزه بود و میقتند ما در
مقدم نبرد بر علیه کورسیلیف
خواهیم بودی آنکه از مبارزه
بر علیه دولت فدائیمیریا
کرنسکی دست برداریم. هر
چند کرنسکی لیستی را
"کورسیلیف" مینامید.

نظمتا مدیه سیاست نسرانی
ایوزیسونی است که از یکسو
به کار کردهای هیت خاکست
اشقا فدائیمیریا لیستی دیگر
از هیئت خاکستراکسی در
"اسلام فدمردمی"
ارتش بوسیله "ایفا" فرما
سدهان آمریکا (ماده ۴)
دارد و آرایش سرکوب خلق
کرده بهیچانها ما نور در گرد
سیج نموده است (ماده ۵)
میخواهد که حقوق خلقی
را! "حق مالکیت شوراها
دهقانی ترکمن حجاز را
زمین و دیگر وسائل تولید
سرمت نماند"

املاک و وسائل تولید میزند
و حرا خود صلاح سرکوب در مقابل
سازاران و ارباب برای حفظ
این حق حوس میبندد. او
حتی ما هم صلاحات حسن
حکومیتی را که رفقای فدائیمیریا
بی "مترقی" مینامند در
زندگی محسوس خود در با فسد
است. روز چهارم در ۵۹ در
مراسم سخنرانی بی صدر
در کنفرانس رنجبر ایلی
فریاد میکند "آقای بی صدر
من ۲۲ سال است که هر سال
ماحزب میزنم. و لوسی
هنوز که هنوز است بی بروی
زمین ارباب کار میکنم و
جان میکنم ما هم دروغ
میگوئید شما هم فقط حرف
میزنید. از زمان فدائیمیریا
در ما مدعظمتا مدخودا زدولتی
کدامین چنین زار ترکمن صحرا
آنها مدعظمتا مدخودا زدولتی
و با چنین مراحتی بیجان
میدارند تا ما مینما یک
حقوق آنها را برسمیبت
نماند. بی تک این نوع
خوردنای از عدم درک صحیح
آنان از فرسید هیئت
حاکم فدائیمیریا لیستی
برای شکست انقلاب و نجات
خود به آن نوبل میجوید. و
با دور سیاست حزب نسرانی
حزب روبرو نیست شوروی است
که اصلاحات ناها را مترقی
مندانند.

باند های سیاه و انعکاس
آن در قطعنامه فدائیان

مارکسیسم - لیونیسم
سما موزده هر مبارزه
اجتماعی کوهی از مبارزه
طبقاتی است و آرایش طبقه
سی معنی دارد که در یکسوی
آن طبقات نرادست و در سوی
دیگر آن طبقات فرودست
میگردند و دولت سارمان
حاکمیت طبقات فرادست
کد برای ما من این حاکمیت
مجزبه دستکاهی نظامی
نماند شور فقرات خود
مساند سخن محسوس
بمد درخت ۸

این تناقض آشکارا
چگونه با بد تعبیر نمود؟ آیا
سرکوب خلقی ترکمن، آری
حک های ترکمن صحرا اعدام
فاسیدی چپا رسنا ره خلق
ترکمن، کلونه یاران ستاد
مرکزی شوراها و خانه های
سکونی زحمتکشان ترکمن
صحرا و سرانین کلونه های
تایک های چینی ارتش
جمهوری اسلامی ما چنین
حق را میدهد که از دولتی
ماهیت آنرا خلقی ترکمن
صحرا در زندگی شخصی خود
در یافته است و خلق کسر
امروز بر ما را نهیهای
از کشتار میشود این چنین
مطالبای را بمانیم؟ آیا
از دولتی که ما هیت
انقلابی و فدیموکرا یک خود
را در برابر ایران در مقابل
با سوق زحمتکشان نشان
میدانند و بی تکیمانند
هر قدرت حاکم فدائیمیریا
در شرایط بحران انقلابی از
یکسوی سرکوب و از سوی دیگر
به فرما سون فدائیمیریا
روی ما وارد میتوانیم
درخواستی را نمانیم. اگر
دولت حاکم منافعش در
حقوق خواست نوده ها
مست سبب سرکوب و سرور
واحتیاقی سر علیه نوده ها
نیروهای انقلابی ضرورتی
داشت؟ اگر خلقی ترکمن این
انتظار را از هیئت خاکست
داشت چرا خود دست
بمد درخت ۸

وحدت خلق ایران و عراق
در چنین شرایطی بر علیه
رژیم عراق و تبلیغ آن در ما
ده ۳ قطعنامه سریش کدا
شتن بر ما هیت هیئت حاکمه
ایران و فراموش کردن ما
رزه های است. خلق ما در هر
شرایطی از درون مبارزه
نی خود بر علیه هیئت حاکمه
میتواند خلق عراق را در
رژیم بر علیه رژیم فاسیدی
عراق همراهی کند و از
نخاستهای این دو قدرت
انقلابی میتواند بر علیه
شان سپهر مند شده و
زوالشان را سریع نماید.
سیاست فدائیان در این

در ماده ۲ و قطعنامه
نوطند کرونگانهای آمریکایی
و توطئه های دولت عراق
علیه "انقلاب" ایران
صحت میکند. اما کدا
ب، انقلابی که هیئت حاکمه
امروز بنا م آن از ما
و سیاستهای ضد خلقش دفاع
مکنند و بنا م آن نیروی واقعی
انقلاب را سرکوب کرده و ضد
انقلاب مینامند. فدائیمیریا
فیل از آنکه ما هیت
حاکمه را که کلیه اقدامات
را بنام "انقلاب" انجام
میدهد و روشن سازند و گاهی
جهت فروری رژیم نوده ها
بردارند این رژیم را
کرده و با فرار از تعیین
هویت هیئت حاکمه در
استقرار و بحکم سرمایه داری
و استبداد مذبذبانهای
دارد. مبارزه فدائیمیریا
را محدودش میکند. مگر تفاوت
رژیم حاکم عراق و رژیم حاکم
در ایران چیست؟
اگر دولت عراق از سر
ما به داری و استبدادش دفاع
میکند رژیم ایران
دوران کوتاه حکومتش همین
مناسبات را تقویت نموده
است؟ اگر رژیم عراق چنین
خلق کرد عراق را سرکوب
و نیروهای مترقی و انقلابی
را بدو وحدت اعدا میکند
رژیم ایران در حق جنش خلق
کرد. ترکمن، نیروهای مترقی
و انقلابی تا آنجا که توانش
را داشته است چه کرده است؟
آیا رژیم ایران انفجارات
لوله های نفتی را کند نتیجه
خرابکاریهای دولت عراق

حزب روبرو نیست شوروی است
که اصلاحات ناها را مترقی
مندانند.
فدایی کوبا ما را انبیا
"روغن مندس" میزنند
و سرولتاریا و سوسیالیسم
سیاسی آن و قطعنامه رنجبر
سیاسی خرد بورژوازی در
کمیت را در مبارزه فدائیمیریا
لیستی آمریکا فعال و محدود
بازی کنند.
رمانی کد بوده های

اطلاعیه پیوستن يك بخش از

مبارزین آزادی خلق ایران

به

سازمان رزمندگان

نامه‌ای از يك کارگر خیابان

بچه‌های خود را ببینند و چون شیبا دیروقت از سرکار بیایند میسود و حتی در کارهای طبیعتی است که صورت طبیعی در آن دیده می‌گردد: "تندی کارگر خیابان بدعا ندان میرود، بچه‌اش بداد و می‌گردد دایی!"

این کار، بی‌کاری ریباد دارد چون که یک کارگر در روزی جای بده کارگر می‌کند و خودش مزدیک و نیم کارگر می‌گیرد و بعد از مدتی کار کردن کارها با می‌کند و خود کارگر را بی‌کار می‌شوند و هیچ مزدی هم

اگر روزی هم حساب کنیم اینها در سال ۱۶۰۰ تا ۱۸۰۰ ساعت کار می‌کنند و یا ۶ ماه هم بیکارند و جیب‌هایشان خالی از پول است و تنها کسانی که در این میان سود می‌برند و در آن وقت با زار هستند بدون اینکه کار فرما فزاری وارد آید خود کارگر آن شبانه روزی کار می‌کند و وقتی هم که فروش را از دست کار فرما می‌گیرد کارگر نیست. این کارگران:

- ۱) هیچ تضمینی برای آینده ندارند.
- ۲) عمدتاً بیمه نیستند.
- ۳) هیچ تأمینی برای بیکاری ندارند.
- ۴) هیچ فرقی با کارگران صنعتی از نظر حقوق و مزایا ندارند.
- ۵) بجای ۴ ساعت کار در هفته ۷ ساعت کار می‌کنند یعنی در هفته ۳ ساعت بیشتر از آنجا که برای کار می‌کنند. جامعه کمونی در نظر گرفته‌اند مخصوصاً بدعا نظر بخیران

این چند نام برای یک روزی کارگر خیابان داشتیم که در باره وضع این دست‌کارگران اطلاعاتی داده‌است و ما بسط لحاظ اهمیت موضوع هستی طرح شده، با تکرار زرفیسی کارگر، آن را بدعا می‌نامیم:

در تهران حدود ۳ هزار کارگر خیابان وجود دارد. این کارگران از همه کارگران ساجر شده‌های صنعتی، زمینگی سرواز لحاظ فکری عقب افتاده تر هستند. علت این عقب افتادگی، فردی بودن تولید و روابط تولیدی خرد و سوز و آبی است. در آن کار ۹۵٪ کارگران در کارها تنها کار می‌کنند و ساعت کار منظمی ندارند و دستمزد روزی آنها بصورت کارگری و با کسراتی است و چون این کارگران با ساعت کار نامنظم نمی‌توانند محاسبه کنند که ممکن است حتی بدروزی ۱۲ تا ۱۶ ساعت هم بپردازند و چون سیستم کارمزدی، اساس نظام سرمایه‌داری را که کارگر فقط مزد کارش را می‌گیرد (نیروی کارش را می‌فروشد) و دستمزد کارش را، بیشتر پنهان می‌کند، این کارگران اغلب تصور می‌کنند که برای خودشان کار می‌کنند و آزادانه هر چه بیشتر کار می‌کنند بیشتر می‌روند و اگر کم‌تر کار کنند دستمزد کمتری می‌گیرند و در نتیجه کارگران بی‌سختی کار می‌کنند و تمام انرژی و روحیه آنها در جهت رفاهیت با یکدیگر تلف می‌شود و نمی‌تواند کار را در جهت تکفنی او بکار رود. حتی در موزه کار اینها هفته‌ای یکی دو بار بیشتر نمی‌توانند

هر روز عمق بیشتری می‌یافت تا سرانجام بدستمال تصمیم گیری نهایی "گروه" اولین قدم عملی را در کسب بوته‌های محفلی برداشت و با تخریب خود به دو بخش و بیوستی هر بخش بدحریات هم‌نظر در سطح جنبش کلید: انرژی و حرکات رفقای "گروه" را در خدمت جنبش کمونیستی بینجام در آورد

همانطور که در اطلاعیه آمده است، سرسر می‌بندیم و ما حس بحران دوتی و دودید که در روزگرد خود با تکرار عدم وحدت اندولوزی یک در "گروه" بود ما (سک بخش) "گروه" که در آنجا را عمده‌اگونو می‌سازیم از برای می‌نمودیم و آنرا معلول کمینا، دادن بدستوری و مبارزه اندولوزیک میدانستیم بدستال بخزند، بدلیل دانسی وحدت اندولوزیک ما سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر پس از سرخوردن در این سازمان ادغام شدیم. بخشی از مبارزین آزادی خلق ایران

* - روح سوید اطلاعیه

و (۱۰۰۰) و وحدت بین چند گروه (است گروه و محفل) و استحکام بیشتر بعضی گروهها و محافل بود که این جریان هنوز هم ادامه دارد.

جنبش کمونیستی در جریان رشد خودش بدایین نتیجه مهم - یعنی جدایی اندولوزی از تشکیلات واحد کم نبودن اندولوزی بر تشکیلات - بسویله تکستن بوته‌های محفلی و ایجاد قطب‌های اندولوزیک تشکیلاتی - حاکم گردانیدن اندولوزی بر تشکیلات - پاسخ می‌گوید. اگر در ابتدا این دور در از جنبش کمونیستی تشکیل محافل می‌توانست تا حدی پاسخگوی نیازهای جنبش باشد، اکنون در پایان این دوره، حفظ و برپا کردن چنین محافل و گروه‌هایی بدرا در دشمنی بود.

"مبارزین آزادی خلق ایران" هم یکی از اولین شکل‌هایی بود که در واسط سال ۵۷ بوجود آمدند و دارای کلیه مشخصات پیش گفته بود. تفاهدهای درونی این "گروه" بنا به تحلیل ما (یک بخش از "گروه" تجربه‌نده) بدلیل اگونو می‌سازیم که بر شکل، ما تمام با بدعا دین و عمدتاً در خرد و اختلافات محفلی که در همین رابطه قرار می‌گیرد و برداختن صرف بدسابلطموس سیاسی روزگرم بر خوردن نقشه میدا اندولوزیک نقش جنبی و تبعی می‌شدید. و عملاً نقش آنرا بدفرمیر - ساندو مولا بدلیل اینکه پاسخگوی بدایی مسائل از حد توان گروه‌ها و محفلیها خارج است. بدتیا هرگز نتوانست حل نمود یک

سالهای ۵۷-۵۸ آغاز دورای سون در جنبش کمونیستی می‌چین ما نیست. دورای که ما طرد می‌گردد و روی آوردن نیروهای مادی م. ل بدسوی کارسانی تشکیلاتی مشخص نمود. دورای ای که وحدت مشخص آن بدسای سرب محافل و گروهها و کلا تشکیلاتی م. ل است. تشکل‌هایی که بدبراسی وحدت اندولوزیک، بلکه بدبراسی وحدت نظر در مورد شکل و تیوه مبارزه، براساس محالصح مقطعی و مرحله‌ای و بدسراسر این بگ برنامه واحد بوجود می‌آمدند. تیروی محرکه تشکیل چنین محافلی، اوج گیری جنبش توده‌ای و ثانوی محافل موجود و عناصر فعال و مبارز در این سخکوی بدسابل بود که این محافل و عناصر را با قدرت بدتویکدیگر می‌راند. نبودن یک قطب اندولوزیک - تشکیلاتی در جنبش و وجود اختلافی از جمله عواملی بود که بدسای بدیابی و تعداداً بتکونه محافل دائمی می‌زدند.

این شکل‌ها از ابتدا حامل تضادهایی بر سر مسائل اساسی جنبش: تحلیل شرایط اقتصادی اجتماعی و طبقات و تضادهای طبقاتی، ماهیت حکومت، سابل بین المللی جنبش کمونیستی و با احتما ن سوسال لیسم بودند.

این تضاد بین اندولوزی و تشکیلات یک سلسله بحران‌ها بی را در شکل‌های م. ل از سیزده سال ۵۸ بوجود آورد که حاصل آن، تخریب و انتقاد در بعضی گروهها (مبارزین آزادی خلق ایران، آرمان

پیشن بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

بقیه از مجله

تقدیر

طبقه‌ای حاکمیت سیاسی و وحدت یا تعارض آن یا مانع خلق و طبقه‌هر نیروی انقلابی است تا رسالت خویش را در پیش برد صحنه جنبش توده‌ای و تحقق خواست‌های سیاسی اجتماعی انقلاب بدان انجام بدهند. کلیه عملکردهای نهاد انقلابی چه قانون آنرا بر رسمیت شناخته باشد چه نشانه‌ها باشد، مستقیم و غیر مستقیم، در جهت تأمین منافع هیئت حاکمه هستند. انقلابی است. تحت‌درایر عملکردها در عین اینکه نشانگر بیم خوردن تضاد نیروهای اجتماعی است و گویای گسست هیئت حاکمه است، اما هیئت آن زاکه‌ها تا مبین منافع هیئت حاکمه است تغییر نمی‌دهد. در شرایط امروز ما که ما که ختمان پیوسته سرمایه‌داری وابسته و جنبش دم‌افزون توده‌ها، انحصار این اجزا، پیوسته را برای بلوک سیاسی حاکم متکل نموده است و در شرایطی که ارکانهای سرکوب به‌عین دلیل انحصار و وحدت عمل لازم را از دست داده است و نمیتواند بطور کامل خواست هیئت حاکمه را برآورده سازد. شکل گیری اشکال دیگری از زمانهای نظام سیاسی و دستجات مسلح برای هیئت حاکمه ضرورت پیدا میکنند و بی شک جناح سیدیه‌ای درونی که هیئت حاکمه است... زمان تا کینکها متفاوتی در سیاست سرکوب را در میانه‌ها بیندکند در شکل و برنامہ کار این دستجات مسلح تا بسیار گذاشته و سرورز پیدای سنام "باند‌های ساه" را در کشور ماباعت میشود (۱) و خود این باند‌های ساه به مسلسل نقاد‌های درونی هستند حاکم و انحصار ارتش و سایر ارکانهای قانونی

سرکوب بستگی دارد از اینتر و باندهای ساه در شرایط کشور ما شکل خاصی از سیاست سرکوب هیئت حاکمه و تحلیلی نوعی از عملکردهای مسند انقلابی او بوده و هیچگاه خود بخود اهمیتت در بیرون نیست جنبش خلق ندارد و هر کس که خلق کار هیئت حاکمه را یکسره کرد این نیروها را نیز درخیزش طرفا نرای خود سده زباله‌دان تاریخ میسارند. از اینتر و سرخوردن این "باند‌های ساه" دقیقاً باید در شرایط با ما هیئت حاکمه صورت گیرد و کوننده خط فاطمی بین این هیئت هیئت حاکمه ضد انقلابی کشید یعنی محدود کردن ماهیت هیئت حاکمه و سرکوب گذاشتن بر نا کینکهای متنوعی است که برای سرکوب جنبش منبوع انداخته نماید. اما رفقای فدایی در بنده قطعاً مع خود این باندهای ساه را از هیئت حاکمه جدا دانند و بدون برخورد با متبعا وجودی آنها "خمد" سروهای انقلابی را "برای افسا" و تا بودی آنها با نهاد عمل دعوت مینماید نهاد تقاضای حمایت دولت، سپاه یا ساد ان و کمیته‌ها - که البته هیچگاه آشکار نیست - این استنباط را در پی دارد که اولاً این "باند‌های ساه" بوسیلہ عواملی خارج از هیئت حاکمه شکل گرفته و تا نیساً دولت با آن ماهیت یکانده ای ندارد. البته در مقاله‌ای که بعنوان "باند‌های ساه" در کار ۵۴ آورده اند ما هیئت باند‌های ساه دو بیونده‌شان را با هیئت حاکمه آفست کرده است. از یکسور سرآغاز مقابله‌ها و نظرها بر مدار این باندها ساه بسیار "سروزی انقلاب" است "وجود ممتد از سوی دیگر بنا بر دو ال معمولی

سیاست‌ها از جناحی مجهول الی بود در شورای انقلاب، یا مداران و کمیته‌ها و حزب جمهوری اسلامی یاد میکنند که این باندها را تقویت میکنند. هیئت حاکمه از نظر رفقای فدایی جناح‌های متنوعی دارد که دارای کار کردهای مستقل و متفاوت از هم بوده‌اند و تا نکه این کار کردها کارهای ضد انقلابی و کابله هی انقلابی میتوانند باشند. جهت اصلی سیاست عمومی هیات حاکمه که علی رغم اختلافات درونی آن وسیعاً خود را در تمام پهنه‌های مبارزه طبقه‌ای توده‌ها پیر علیه آن نشان داده است از نظر آنان پنهان میماند. هیئت حاکمه را آنان مرکب از جناح‌هایی میدانند که سادگی نمیتوانند از مرز ضد انقلاب بادی از نظر سر کنند. هیئت حاکمه از نظر آنان میتواند انقلاب و ضد انقلاب را کنار یکدیگر داشته باشد بدون اینکه کردی بر ساحت مقدس جناح انقلابی آن مینماید جناح ضد انقلابی آن باندهای ساه با زمان دهد. ارتش را بر علیه خلقها بسیج کند، تحصن‌ها و اجتماعات را در هم بزند، سرمایه‌داری وابسته را ترسیم نماید، انقلابیون را به جوخه‌های اعدام ببارد و دانشکاهها را بیکبار به غرقه در خون کند و هر جا بر آمد توده‌ای یا بندها نیروهای مسلح و توپ و تانک و فانتوم حضور داشته باشد. پدیده "جناح" و "عواصم" برای فدائیان خلق فصل المسائل است که هر جناحی سیدگی و ابهامی در توده سرکوب، در تبلیغات، ها، پیروها و کلیه تا کینکهای هیئت حاکمه میسند آنرا باز میکنند و جناحی یا عواملی را در کل هیئت حاکمه برای یا سرخ

بدان در آن ضیاء بدلیل علاوه بر این ابزار تحلیلی بقولات مبهمی چون "قشریون، مرتجعین و..." نیز در این حل المسائل یافت میشوند. نتیجه اصلی این شیوه سرخوردن در بیون کداسن بر کسل هیئت حاکمه و سستی اسب که ضرورتاً موظف به حفظ آنست. سرکوب گذاشتن بر ما - هیئت ضد انقلابی هیئت حاکمه است که هر روز از تاریخ حاکمیت آن انباشته‌اند و طئه، سسید، تهدید و تبلیغ بر علیه نیروهای انقلابی و توده‌های زحمتکش است. هر روز از تاریخ حاکمیت آن تا کینکها خلقها، با سرور انقلابیون، با اعدام کمو - نیستی ارتش شده است این شیوه سرخوردن توهم توهیما را تا آن حد تقویت میکنند که "طبقه سرمایه‌دار" را جدا از هیئت حاکمه مینماید. ساد ه قطعاً مدکاز (۵۴) و "باند‌های ساه" را بنده‌ای مینماید که در فرار از مبارزه طبقه‌ای ایران ما رژیم خلقی و ارتش هیئت حاکمه، ساه یا ساداران هیئت حاکمه جولان میدهند و در نهایت "جناحی" مهم زدرون ساه یا ساداران، کمیته‌ها و حزب جمهوری اسلامی آنرا تقویت مینماید. (ساده، ۸) اما جدرابطه‌ای بین این باندهای ساه و سیاست عمومی هیئت حاکمه وجود دارد جدرابطه‌ای بین سرور سیم "باند‌های ساه" یا اعدام‌های خلقالی وجود دارد رذبی جواب مینماید توهم جناح خرد بورژوازی انقلابی بی هیئت حاکمه "را از دیدگاه خود بدرون توده‌ها منتقل مینماید.

سر مسلح سازمان یافته‌اند. انحصار به عنوان بخشی را نگارند سادیا حرکتی معنی را از درون یا سرور سیم بریزند. اسب ساسر منحصر برای "باند‌های ساه" هموار دکاسی هستند که ما - هیئت خود را در پهنه مبارزه طبقه‌ای بر علیه هیئت حاکمه نشان داده است و این "دستجات مسلح" همچو "دستجات حاکمه" یا نزدیکانش نبودند. همواره عناصر انقلابی و کمونیست هستند و تا ساد یا سادیا سیدید ام تمایز نیستند و دامنه نفوذ و قدرتشان محدود است که فی الضمیل چنانکه ن از رهبران دلبر خلقی ترکمن را از زندان او می رسیده و ترور مینماید بدون اینکه از آب تکان بخورد. البته این باندهای ساه سرعت رشد خارق العاده‌ای دارند. بطوریکه گاهی ساد ساد از "ارتش حمله سرورق اسلامی" تا ساد ساداران مسوند. ارتش سرور ممتد است. می‌شوند. ساد یا سادیا سادیا سیدید و سیدید و سیدید کرد و ترکمن را کولوله سازان میکنند حتی گاهی فانتوم هم دارند و برای ساداران کردستان از آن استفاده میکنند. این "باند‌های ساه" و "دستجات مسلح" شبکه سرورزی هستند که در تیره اسرا ایران حضور دارند و "جنبش خلق" را در کارخانه‌ها در ادارات، در دانشگاه‌ها، در خیابانها، در روزگاره‌ها، در کردستان، خورستان، ترکمن صحرا، آنزلی اندمک، درود، کتکاور... مورد خطر جدی قرار میدهند و گاهی در خم کوجای بگمین موضوع شکار مینماید ساد یا سادای ممتد ساد یا ساد از مجله ۱۰

قطع کامل دستهای خونین امپریالیست‌ها، فقط

دیو امیرالیم آمریکا، کد برای تحقق اهداف و منافع کثیف خود به سادگی حیات دست میرسد با دگرایی در درون میهن ما بیرونی نظامی بیاد میگذرد و بیگانه مستقر میزاید و خلق ما را مستعماً هدف قرار میدهد و سببه دلیل نفسی برای خاک وطن ما را ترک نموده و دولت جمهوری اسلامی را در جریان امور میگذارد. شرف انفعالی بوده های ما و ثور مبارزه صدا میریالیستی شان هیچگاه صد امیرالیم اجازه نخواهد داد خاک وطن ما را جولانگاه نظامی خود نماید. ما ضمن اینکه این حمله نظامی آمریکا را شدیداً محکوم مینمائیم و تا آخرین قطره خون در مقابل آنها حیات نظامی آن دوش بدون خلقمان خواهیم ایستاد، بدخلق قهرمان خود هستند! رندهم که هستند جاکمه موجود ایران کنند

تجاوز امپریالیسم آمریکا را محکوم میکنیم!

ماهیت خود را طی دوران حکومتش بر علیه خلق نشان داده است. نمیتواند در کنار توده ها در این مبارزه قرار گیرد. کارنامه امپریالیسم آمریکا سیهانها به غارت و جیاول کشتار و جنگ افروزی است. در هر گوشه ای از تاریخ امپریالیسم خون خلق های جهان که برای کسب حقوق ملی، اقتصادی و اجتماعی آنها خواسته اند موج میزند. حضور غیر مستقیم امپریالیسم در میان طبل شتم دیده که سیاست جهانی امپریالیسم بطور اعم و آمریکانطوراً خاص بعد از جنگ جهانی دوم بوده است همواره معنی سلطه طبقات استعماری را خواص نموده است. این طبقات منافع امپریالیسم را از طریق سرکوب خلقها و توده های زحمتکش از طریق فضای تاریک ترور و اجساق از طریق اقدامهای فاشیستی انقلابیون، از طریق زندان و شکنجه، از طریق اسبهدام کسانو بهیستای دسوکراتیک و خلوکومبری از زندانهای توده ها تا میس میموند. ارتش در این کشورها پروری یافته است. امپریالیسم بوده و کسار آن تحقق بر نامه های مذکور است. جلوه های امپریالیسم در این کشورها معروف و سنگینی توده ها، بهره دگنی سنگینی از کارگران و زحمتکشان، شتم ملی، اقتصاد دفرسوت و وابسته، عدم تفرقه رهیگی توده ها، بساد اخلاقی، فقدان دیکراسی و آزادی اندیشه و غیره است. امپریالیسم آمریکا در کشور ما تنگس نویسی حیات را بعد از سال ۳۲ با تضعیف امپریالیسم انگلیس آغاز نموده است. غارت ثروتهای ملی و استثمار روحشانه کارگران و زحمتکشان ما بساد عمومی آن بوده است که بوسیله حکومت شاه جلاد و دستگاه نظامی میوبلیسی آن تحقیق میافته است و خلق قهرمان ما بطسی سالهای سیاه دیدگنا توری شاه مارشاد های بشمارای مبارزات همگنی نموده است. اوج مبارزات خلق طی سالهای ۵۶ و ۵۷ رژیم شاه را به منزله تاریخ سیردا ما هستند جاکمه ای را بر دوش خونین خود به قدرت رسانند که نمیتوانست و نه میخواست امپریالیسم را از صحنه اعدامی و سانی کشور ما بیرون راند. هستند جاکمه ای را که حاصلی تکامل مبارزه صدمه را به داری وابسته و صد امپریالیستی خلق قهرمان ما از آستانه قیام پیر ۵۷ به بعد بوده است. بعد دتوهم توده ها همواره در دوران حاکمیت خود سلطه داشته است مبارزه انقلابی آنها برای انحراف کشتاندو از آن برای تحکیم قدرت خویش و آن مسا بساد اجتماعی - اقتصادی بهره گیری در مقابل خلق قرار داشته و در تضاد با منافع آنست، شعار مبارزه با امپریالیسم توده ها را جوهر و روانه تبلیغ نموده اما در عمل، بجای مبارزه با امپریالیسم و بیگانه اجتماعی، اقتصادی آن به دست آورده های مبارزه صدا میریالیستی توده ها "تسورش برده و با آنها حمان خونینی خواست بحق آنان را سرکوب نموده است. طی ششماه محور مبارزه با امپریالیسم دروغین خود را "منا له گروهگنا" قرار داده و بی آنکه امپریالیسم را زحمتکشان را! زحمتکشان را! اقتصاد ای جاکمه ما منهدم سازد از آن برای تقویت توهم توده ها، خلق نفا دهای دروغین و بیوشی برای بیجان داس اعدا دوسج حیات را بهره میگیرد. گروهگنا را که میبایست بر علیه درینگاه خلق جاکمه توده و سله ای برای بساری دیپلماسی بیشتر خود و دول امپریالیستی تبدیل کرده و امکان مایورهای گوناگونی را برای امپریالیسم فراهم نموده است. ارتش آمریکا را خنثی ترسیم نموده است تا با امپریالیسم آمریکا مبارزه کند، توده ها بویزه خلق کرد را اند خوشتر ترسیم وجه سرکوب میباید با امپریالیسم آمریکا مبارزه کند.

واقعیت این حکومت در دوران کوتاه عمرش نشان میدهد که بهره گیری از کارگران و زحمتکشان ما کما حدت بافت، بد خلقهای ما حقوق ملی خود را جنگ آورد و بد زنده ای بد روی انقلابیون ضرورت و اعدام و ضرورت آن با آن بافت. آنان هر کوسه فضای آزادی را برای پروری توده ها تحمل نمودند و با حیوان خود را بر سرکوب نمودند. و بسا تحریف حقایق و تبلیغات زهر آگین علیه نیروهای راستین انقلابی ادها توده ها را محدود و جنگ داخلی راه انداختند و از امنیت شان داد که سلطه امپریالیسم در کشور ما معدوم کنند. سرمایه داران و افساد همجان بر تهنیت اقتصاد ما سلطه ماند و کشتار توده ها ادا مدامت، غارت کارگران و زحمتکشان بر جا ماند. ارتش زخم جو رده بر میم شد، اعدا میهای محمدرمانی ادا مدامت و برای داسجوجان و داسجوجان انقلابی ۱۶ در دیکری ۱۳۰۰ آنان دیکری در اول اردیبهشت سرکشانند. اما اسرار هم داس ادا مدامت جد مردمی، بسام مردم، جاکمه، اسر حرکتی بر محور

شماره در صفحه ۱۰

شماره در صفحه ۷
و حرات بودن وضعیت سارا را
بسنزکا رفمانان در کارد
گا هیا سان را بسد اندو ۲۰
کارگران سکا رهنسند
سار را بر ا کدهای در اس
صفحورت مسگرد که مسافانه
به عشقندان بخار من محم و غنی
سعدا دکا زکرا ن آکا دوسر و
در س آن، سار را بسی
سعد مماند در اس ما سد
تک موجود را سار را کارگران
را ما ورم:

نولندی بینی:
در این کارگاه ۱۸ کارگر
معمول کار هستند و تنی کار
فرما وضع بازار را خراب
میسند، در کارگاه را میبندند
بکروز کارگران کده سرکار
می آند در بکار خاسد را
سند می بسند آسنا سراج
کار فرما میروند و آرا از خاند
این سرورن مسکند و بسند
سندیکا ما و رید، در حساب
اینکه چرا کاز خاند را سنادی
سجود که کارگران کارگران
اهما، بدهد که نما م شود و
مرا با بی کده آسنا نعلنی
میگرد کرد ساند، در برابر
خواجهم کرد و کارگران مسکو -
بند و تنی کده ما سود و عرابا
گردید ایم جکود سناد
امضا، بدیم، کار فرما با سخ
میدهد تمیل خود مان است،
میخواهند سدهد، تمیخواهند
بیکار رسانند! و کفند است که
من نما داین کار خاند را
میخواهم بسندم و آنقدر دارم که
اگر دهنال هم کارگاه دسار
نشانده میتوانم برای حنی رندی
کنم. این کارگران هستند
که برای بدست آوردن نشان
خویش دست و پا میزنند.
غلیتر عمخند: فعالیت
کارگران، هموراین کارگاه
باز شده است.



بوسیله کارگران و زحمتکشان امکان پذیر است!

توطئه بمب گذاری در اماکن عمومی را محکوم می کنیم!

روردوشنبه (۵۹/۲/۸). در تهران چندین بمب منفجر شده که باعث شهادت تعدادی از هموطنان ما و وارد آمدن خسارات فراوان گردیده است. بمب گذاری در اماکن عمومی و کشتن بی گناهان، این عمل کتبیف، صدامتانی و صدامت انقلابی کار کیست؟

وقتی در آغاز سال جدید، فرمان عفو و آکپی ها و عتار صدامت انقلاب ما در شد و کمونیست ها فریاد برآوردند که این عمل درستی نیست هیات حاکمه بجای توجه به این فریادها به استفاده از این مزدوران پرداخت. ما، ماهاست که فریاد میزنیم، لیست ساواکها را اعلام کنید، شبکه، وسیع جاسوسی "سیا" و "موساد" را افشاء کنید، اسناد و اسبکی عوامل رژیم شاه را با این سازمانها برای اطلاع خلق منتشر کنید، اما در عوض همه این ها، هیات حاکمه انقلابیون و مبارزین راستگروا و اکپها را آزاد میکنند!

این بمب گذاریها، تنها از دست کسانی بر میآید که نفرت عمیقی نسبت به توده ها دارند و با رشد آگامی انقلابی توده های مردم منافق خود را در خطر می بینند. ساواکها، سران فاسد و وابسته ارتش، وابستگان به معدومین صدامت انقلابی رژیم فاسد گذشته، عمال امپریالیسم آمریکا، و سرمایه داران بزرگ که علیه مردم مبارزات دلیرانه خلق ما، اکنون آزادانه در این مملکت میگردند، شبکه های وسیعی تشکیل داده اند و مرتباً بر علیه خلق توطئه میچینند. این سرسپردگان آمریکا که بسیاری از آنها، در دستگا های دولتی هنوز هم از قدرت و نفوذ برخوردارند، سعی میکنند تا با این قبیل اقدامات شرایطی را بوجود آورند که در آن با قدرت بیشتری بتوانند به سرکوب مردم بپردازند. این خائنین سعی میکنند تا با اجرای نا امن و آتفتنه، در دل مردم هراس ایجاد نمایند تا بتوانند بعداً بعنوان ناجی مردم و بهانه ایجا د صیت، سرکوب شدید تر خلق و شیروهای انقلابی بپردازند.

در این میان، هیات حاکمه، که از هیچ فرصتی برای سرکوب شیروهای انقلابی و مبارزین نمیگذرد، سعی میکند تا با نسبت دادن این عمل کتبیف به شیروهای کمونیست و انقلابی مردم را علیه آنان تحریک کند. سال گذشته نیز، همین هیات حاکمه، با اینکه میدانست ترورها را گروه فرقان انجام میدهد، سعی در بدنام کردن شیروهای کمونیست و انقلابی داشت اما خلق بیدار ما هرگز این دروغها را باور نکرد.

درست پس از همین واقعه است که دادستان انقلاب، اعلام میکند جایگاه نه حق چاپ نشریات سازمانهای کمونیستی را انداخته و سرپرست شهرتانی این عمل را کارگروه های چپ اعلام میکنند!

ما میگوئیم این هیات حاکمه است که با آزاد کردن ساواکها، و تخطل در افشای اسامی آنها و شبکه های "سیا" در ایران، در واقع گناه اصلی را در این جنایت بعهده دارد!

ما ضمن محکوم کردن این اعمال جنایتکارانه اعلام میداریم که نسبت دادن این اعمال ضد مردمی به کمونیست ها و انقلابیون، توطئه جدیدیست که هیات حاکمه برای ایجاد جو خنثی و سرکوب تدارک می بینند.

نقدار متحد ۹

منافع سرمایه داران وابسته، اما ما سرمایه داران انجام نمیدانیم. ما سرمایه داران امپریالیسم، توده های صدامت لیست و روشنفکران انقلابی را کشتار کردند و سرانجام افکندند. آنها بودند سرمایه داران امپریالیسم را دست ما در دست همزمان با آن خلق قهرمان کرد و او حسیا نه کشتار کردند. در سراسر ایران دانشجویان انقلابی را بخون کشیدند و دهها کشته و هزاران زخمی بیاد کار مبارز در سلسله ای خود را امپریالیسم سرخا گذاشتند!

واقعت نشان داد که هیئت حاکمه نبود امپریالیسم، سرمایه داران امپریالیسمی میکند! و خارج حال مبارز د صدامت لیستی را برای نفیست توهم توده ها، برای کنترل معارضه صدامت لیستی بوده ها ساز دارد. او طوفانی انقلابی توده ها را مسیبد و مسیبد که اسر طوفان قدرت او را بر هم جو تکتست و از هم سر روت که از یکسو آگاد سری

افتخار حاکمه، انقلابی سری توده ها را خون نمیکند و او اسوی دیگر طبل سبی صدامت لیستی امپریالیسم را میزند. صدامت لیستی را کارها و همکارانهای او را در کوردها صدمه ها ستونند. اما حروش انقلابی بوده ها که دمی آرام دارد آحسان

اوج دارد و آنجان امپریالیسم را در واقع هیئت حاکمه دیده است که همزمان با اسید امپریالیسم در میهمان هیئت حاکمه را نیز اسر بر قدرت سرخو ها کتکید. هیئت حاکمهای که صدامت لیستی بوده ها

بوده و اسر برای حل اختلافات دروسی خود و اختلافات خود را امپریالیسم بر علیه خلق و سر محور منافع صدامت لیستی مورد بهره برداری قرار میدهد.



نقدار متحد ۸

کدغیر از جاسوسی ساده نیست. اسلحه کوچکی کارت با صدامت لیستی حاکمه ها انقلاب را سرکوب میسازد. مسان دارند اس اس اسد های ساده و "سحاب مسلح" یک سوزای مرکزی دارند. سام سوزای انقلاب و یک حرب حلی بر یک سام حرب صدموری اسلامی کدکاسی سحاب مسدود اس حرب اللد تا خود ارتش

آدمتانی مقدس حسد کتکید. ندمسده سار حصد محزون و بر دم را مویظ میکنند. در کتاسیای دسبانی اس تا بدسبانی ساده و "سحاب مسلح"

زارتی، ساد سادار... شیرانی، کتکید... سبنا... مند، و بدسدها میگویند. اسبنا هم بر در صدامت لیستی برادرانی امپریالیسم. قطعاً بدسکور اسبند. صدامت لیستی انحرافات اندوز. اوزیک سازمان فدائیسان خلق اسبند. سبند آن کتکید.

این آردید کدهای غسیر برولتی آنها را بدسدها ر وحدت و شکل خلق و مبارزه با امپریالیسم کتکید. سار "حداجم... حسیب بود است. حد در سبنا

ر در سار رژیم تراج که بر خلق ما را اسد انقلاب حاکم در اس

سار زده در اسد اندوز در سوسی که سرامت هیئت حاکمه میکنند و اسرا از "سحاب ساد" از "سحاب جنایتکار"

جدا میکنند. ساد... طبقات اجتماعی برای آنان مفهوم خود را درست داده اند و جای آنان را "خواص" رژیم ناد و "عناصر متصور و کتکید" ساده ها

و "سحاب حسیب سار" کرد اسد. سار زده طبقاتی بد "انحاد فعل همه شیروها بر علیه سادها جنایتکار

سدمل شده است "خطر جدی" برای "حسیب خلق" سده سگاد سرکوب صدمت حاکمیت و سون نشر آن اسبند

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع



* وجیه‌الله حشم فیروز * حسین نیکوکار * علی کارگر

یاد شهدای ۸ اردیبهشت گرامی باد

آنها کد در بی یک کنا کش

با تاج، سرما یه دارو صاحب
کارخانه موفق شده بودند به
خواسته های خویش برسند
تعمیم می کردند طرف نگران
را همیشه کنده مادر
نزدیکی کاروانراستکی
نیروهای نظامی ها روزییم
با هتاهی بدسورتا دجلاد

مال از کشتار بیشتر مانده

کارگران و جوانان چیت میکردند ۹۰
سال پیش در چنین روزی رژیم
خونخوار و سفاک شاه، یک بار
دیگر چهره ضد مردمی خویش
را نشان داده و کروهی از کارگر-
کران را به خاک و خون کشید.

بغیاد زنده

امیریا لیسیم ایجاد شده است همچنان ادامه دارد. جنبش توده‌های پرتوان
ما ما دمی میتواند به پیروزی خود برسد (کدها تا نا بودی سینم بر ما به
داری وابسته است) که پرولتاریا در حزب کمونیست خود را زمان یا بدویس
دوش رزمندگان کمونیست برای پیش برد این امر استکینی است که
باید بدستگن و مبارزه انقلابی خود را تحقق بخشند و پرچم مبارزه
این سه دلاور خلق محمود و حیدری، محمد رضا کلانتری، و سعید کردقرا چورلو
و انبوه عظیم شهدای ما را برافراشته دارند. راه این سه مبارز
کمونیست راه آزادی طبقه کارگر و راه فتح خلق ماست. آنان بخوبی
دریا فتنه بودند ما دمی که جنبش انقلابی توده‌ها پرولتاریا را در رهبری
خویش نشانده اند و ایدئولوژی پرولتاریا چراغ راهنمای آن نباشد
نهایت آن شکست و بر این اعتقاد است که خود با مبارزات پی گیری
خویش پای فشرده و تنها با خون خویش آخرین کام و غولترین کام را
شکوهمند برای تحقق آن برداشتنند، اما اگر آنان پرولتاریا را در قدرت
ندیدند و مبارزات خونین کارگران و زحمتکشان و روشنفکران انقلابی ما
به ثمر نرسید و هیئت حاکمه‌ای را چنین نشانند نمیکنی به قدرت
رسانند ما بی‌رمایه طبقات از فرار سر حکومت کدر کرده و طبقه کارگر ما را
بیثنا پیش خلق و به همراه آن در ستریک مبارزه سختی و خونین بقدرت
خواهند رسانند و آرمان سوسیالیزم را که این دشمنان با عشق با آن جان
خویش را فدا نمودند استقرار خواهد بخشید و در خونین ترین و حماسه آمیز
ترین صفحات تاریخ آن نام این سه فرزند دلاور خلق را جاودانه خواهد
داشت.

درد و بر سر پیدای راه آزادی

درد و بر سر شهیدان رزمندگان محمد، محمود، سعید

مرکز امیریا لیسیم و ارتجاع

با بودیا در با به داری و اسبندیه امیریا لیسیم

با دستان را گرامی مبارک و احسان را ادامه میدهم.

صف مشکل آنها را به مسلسل
بسیار و دهها کارگر زحمتکش
را به خاک و خون کشیدند.
سال گذشته، در همین
سالگرد این فاجعه، کارگران
ایران توانستند بر اساس
بزرگداشتی در خانه کارگر
بیریا دارند. در این مراسم
با شرکت بنابر ده هزار
کارگر و بیست و سه هزار
جنر فقیو کارگر خراسانی
کردند.

اما امسال، در حالی که
مبارزات طبقه کارگر از اوج
چشمگیری برخوردار است، و
رژیم راید هراس افکننده، خان
کارگردان شغال عنا صراحتاً
با آتاکا همکار و عوا ملو
بزدوران حزب جمهوری اسلامی
فرار دارند، و در اوج مبارزات
مدا میریالیسی خلفان
رژیم با ایجاد جو سرد و آهسته
در عمل مانع از برگزاری
این مراسم شده است.
ما یاد شهدای ۸ اردیبهشت
را گرامی دانست و امید داریم
که طبقه کارگر، حاکمان جدید
خدا کارگر را نیز به زباله‌دان
تاریخ بفرستند.



ما کمونیستیم

ما کمونیستیم!
و کمونیستها هرگز برای سی نیستند!
در کردستان، در ترکمن و در تمام کارخانه‌های
ایران و جهان
احلال کنیم!
در روز یاد استعمار سرما سدا احلال میکنیم
ما
آنها که میان کار و سرما به هیچ و خدنی
بمی بینیم
تصرفه می نداریم
میان کار و سرما یه تصرفه می نداریم!
ما کمونیستیم
ما غیر فاسونی هستیم
زیرا که مرگ ما بوی سرما به آمال ماست
منطق سرما به، بیاران ما را خواهد کشت
اما آنجقدر که ما به آن رسیده ایم
- ایده کارگران را -
هرگز نمیتوانند!

آنها ما را خواهد کشت
در اول ماه مه - در شیکاگو -
در ۱۳۳۸ - در کورده پزخانه‌های نهران -
در ۱۳۳۵ - در بلاسکا ده آدادان -
در هر وقت و هر جا که ما رده میکنیم!
در ۱۸ اردیبهشت چمدان را در دانهنگا دنیسیر
خواهد سوزاند

و در ۱۲ اردیبهشت
در خیا با نشان
- در ۱۶ آذر -

در اوج بازش با بیکریان
و اعلام خلق سلاخان

ما را با سبزه‌های
خواهند کشت

و چمدان را از زیما رستان "امام" خواهند
رسود.

و برای کارگران و زحمتکشان
در "هشتم" حاکمیتان"

از حقیقت بازش و شکست
افسانه پیروزی خواهند ساخت!
اما ما

دوباره شروع خواهیم کرد!
ما بنا می کارگران - صد بار شروع خواهیم
کرد!

دوباره علامه‌ها یحیی خواهند!
روی دیوارهای کشید جنوب سبز
روی سرهای سرف
در کارخانه‌ها

دوباره "سیخ سرخ" زنده، کارخانه‌ها را در خوا-
هد نور دید.
و برای کارگران و زحمتکشان

سرود "انترناسیونال" و "جمهوری دیکراتیک
خلق"
خواهد خوانند!



و سپاه با ساران، نه ما هیئت
فدا انقلابی هیئت خاکمسه،
نه احیاء مجدد دنا واک بنام
با و اما، نه دادا که هـ
اعدام انقلابیون، نه امکان
نات وسیع هیئت حاکمه
در تبلیغ برای جلوگیری
در آگاهی فزاینده توده‌ها،
بلکه "باند های سیاه" و
"دستجات جنایتکاری" هستند
که تنها در سیاست هـ
تروریستی هیئت حاکمه بر
علیه عنا مرا انقلابی و کمسو-
نیست بطور برانگنده بکار
گرفته میشوند.

تذکر: کلبه حملاتی که
داخل کمیونته قرار گرفتند
است نقل قول از قطعنامه
سازمان "ج.ف.ا.ست".

(۱) - ما "باند های بیاد"
را در شرایط موجودا بسران
در نظر داریم و کوشی نکال
گیری و عمل کردهای آن در
با پر کشورها یا رژیم‌های
انقلابی مورد نظرمانست و
همچنین اساس بحث ما نیروی
عمده باند های سیاه است.

کردستان ...

زان نغد بخو طوکری اتر -
 بتادن دکتربرای کمک سد
 زخمینیا ، سماران شهرهاو
 روساها ، ایتست سیاست
 ضد خلق بر علیه خلق این جنک
 در واقع ، جنک خالماند و سحاوا بد
 خلق بر علیه جنک انقلابی ،
 عا دانه و سبروز مد خلقی کرد
 است . حکومت جمیوری اسلامی
 درست مثل هر حکومت فسد
 انقلابی دیگری عمل میکند :
 همان شیوه ها و تاکتیکها ،
 همان کشتارها و سماران ها ،
 همان اعلامیه ها و تبلیغات !
 زوش سرکوب و کشتار که
 اینروزها در تنیاد کردستان
 بلکه در سرتا سرتا ایران دنیا
 ل میشود ، سیاست لاتی عمومی
 حکومت برای خفه کردن انقلاب
 و جلوگیری از توسعه مبارزه
 طبقاتی انقلابی است . طبیعی
 است که این بر رویه ضد تنیاس
 برای شکل دادن به ادرتین
 و یا سداران برای سرکوبتای
 بعدی و حفظ سیستم سرمایه
 داری وابسته بد امیرالاسم
 است . بیکله برای بیکر کردن
 کار انقلاب و ایجاد ضیق
 است که در پیناه آن سرمایه
 داران و زمینداران و همسه
 مرجعین نتوانند سیدت
 بشنری بد تغذید و مکییدن
 خون کارگران ، دهقانان
 و زمینکنان بپردازند .
 مبارزه : عا دانه خلق
 کرد . جزئی از انقلاب ایران
 و جز لاینکی از آن میباشد ،
 خلق کرد که برهبری سازما
 نیای انقلابی خود از قبیل
 کومله برای کس حقوق اولید
 یک خلق مبارز میکند . در
 حقیقت دولتی ضد خلقی را
 و ادارها و تاجا دیاسی نمو
 دها سب که در آسند ما لاجبار
 در مقابل طبقه کارگر
 و زمینکنان و خلفنیای سراسر
 ایران در پس خواهد کرفت .
 جنس انقلابی خلق کرد
 جهت تعیین سربوس خود .

و مبارزه زحمتگان کردستان
 در اینراه از مبارزه طبقه
 کارگر و خلقهای ایران جهت
 اسجاد جمیوری دموکراتیک
 خلق حدانست . زبر ادرعی
 حال که خلق کرد خوا هسان
 حق تعیین سربوس خویش
 است ، خلق های اسرا ن
 و طبقه کارگر خواهان ایجاد
 جمهوری دموکراتیک طبق
 مسا شند که تنیاد آن حق
 ملل در تعیین سربوس
 خویش تحت رهبری طبقه کار
 کرا حقای میگردد .
 جنبش خلق کرد نمیتواند
 و نیاید در جیارجوب کردستان
 محدود گردد . زبر ادر این
 صورت علاوه بر آنکه وحدت
 کارگران و زمینکنان ایران
 در مبارزه انقلابی تا مینس
 نمیکردد ، ضد انقلاب فرصت
 و نیروی کافی خواهد داشت
 تا ؛ لیا از آن جلوگیری
 آنرا ضعیف نماید . هم اکنون
 هئات خاکه نیر زده اسن
 مسئله بی برده است و چمن
 غلبت همزمان با سماران
 و حملد وسیع در کردستان ،
 حمله بد سازمانیای انقلابی ،
 بد کارگران و زمینکنان رادر
 نواحی دیگر سازمان داده ا
 ست . جنبش انقلابی خلق کرد
 با وجودیک سازمان کموس
 نیستی واحد میتواند وسیع
 تا بد و بطور متقابل جنبش را
 در سرتا سرتا ایران عمق و وسعت
 بخند . کوشش در جهت وحدت
 بخشیدن بد سازمانیای انقلاب
 بی کمونیستی در سرتا سرتا
 ایران و از جمله کردستان
 یکی از اقدامات اساسی
 است که کمونیستها با ندرای
 کسترش مبارزه انقلابی خلق
 های مادرش رو قرار دهند .
 نتیجا از این طریق وسازما
 دمق مسوان جنبش خلق
 کرد را بد سرتا نواحی توسعه
 دادوست ضد انقلاب رادر کتبا
 و سرکوب انقلاب از دست سب .

وجودنا موزونی در جنبش
 انقلابی در حال حاضر ، به ضد
 انقلاب فرصت داده است تا
 تمرکز نیرو و خلق کرد را بسد
 جنک مقاومت بکشد . اسن
 نا موزونی هما نظور که در سرتا
 آنا ز مقاله گفتیم مربوط سد
 شرایط خاصی خلق کرد خو ا
 سد های معنی آتیان سرتا
 منسود ، تبلیغ وسیع روی خوا
 سد های خلق کرد و ارتباط
 آن با منافع طبقه کارگر و
 بطور کلی ، نشان دادن چهره
 مد انقلابی هئات خاکه سد
 اسن ارتباط و انسا ، اندا
 مات سرکوبی که آن بسد
 سنا ند جنک ساعرائی و دامی
 ردن حکومت بد احسانات
 سووستی ، امریت که بداید
 بطور حدی بد آن بردا حد .
 اعراض عمومی و سازمان
 یافته به "تجا و زات حکومت
 بد خلق کرد و کشتار زمینکنان
 کردستان بد هر صورت که مگا
 آن موجود بداید ، در انا سد
 دموکراسیم انقلابی از در
 جدا بد نولوزی طبقه کارگر
 و سرتا مد انقلابی بیولتا ریا
 تا شیراسی دارد . در عین
 حال یاری رساندن بد جنبش
 انقلابی خلق کرد و نهضت
 مقاومت خلق کرد و ترکتست
 فعال در آن کاریت که هر
 کمونیست و هر سازمان
 کمونیستی موظف به انجام
 آنست .
 مبارزات خلق کرد سرتا
 کنون مراحل بیجده ای را
 پشت سر گذاشته است . آنچه
 که تا کنون بد آن بردا خند
 شده و تا مین نگردیده ایجاد
 پیوند عمیق میان مبارزه
 خلق کرد و مبارزه سراسر
 خلقها و کارگران و زمینکنان
 ایران است . این امر که
 خود مربوط بدنا موزونی
 سطح مبارزه و خواسته های
 متفاوت در نواحی مختلف
 میباشد . در عین حال سارگر

ضعف جنبش کمونیستی در اسنا
 عدم مکر اسیم انقلابی از مو
 صم سرولبری و دناغ حقیقی
 و عمیق ارجحین خلق کرد
 است . هئات خاکه هماغهور
 که کد سیم با اسفاده از اسن
 امر بد سیمج بوده ها سرتا سد
 خلق کرد ، و خوب ارکاتنیای
 نظامی خود بردا خند و سلاسی
 کرد در رابطه جنس خلق کرد
 را با انقلاب ایران قطع نناید
 اما در همین کردستان است که
 اسنا ما هئات خاکه سد
 عالی سرتا نخوروز کرده و
 از همین حالت که سنا سد
 اساکری وسیع علیه آسرتا
 در دستور قرار داد . کردستان
 سوسند یکی از بر حسد سرتا
 مواردی بوده و خواهد بود ا
 که ما توضیح مسئله آن و حق
 ملل و رابطه مبارزه خلق
 کرد با همتا خلقیای ایران ،
 میتوان دهن توده ها را
 نسبت بد هئات خاکه در سرتا
 نمود . اسن امر بد معنی نفسی
 با کم اجست دادن بد سار
 مسائل منسنا بد انقلاب سرتا
 بلکه در واقع بد مسا بد یکی از
 مسائل دانشی انقلاب مطرح
 میگردد . کمونیستها با سد
 مسائل دموکراتیک بطور کلی
 و مسئله کردستان را بطور
 اخن در دستور فعالیت خویش
 قرار دهند ، و اسن بد خاطر
 سیر میت ، ندا و م ووا همسنا آن
 میتا بد . بهمین اسنادا د
 نیز هیات خاکه در بنیاسن
 کردن مسئله میکوشد هر روز یک
 مسئله برای اشغال سرتا م
 مبارزه همتا مکانات دموکر
 اتیک دیگر ا که سد مسئله
 آکا هی توده ها و روشن سیدن
 آتیانست بد مسئله کردستان
 یاری سرتا ند ، از سرتا سرتا
 مثلاً در همین یکما دسسال
 جدید ، درست مثل تاسسان
 ۵۸ ما شا هد :
 (۱) توسعه تبلیغات
 رادسولسوزی و سرتا سرتا

مراسم روز جمعه و راهپیمایی
 سر علیه انقلابیون .
 (۲) حمله بد دفاعی سرتا
 داسحوا ن انقلابی .
 (۳) سیدنمایی اسرتا
 در کردستان و سغد سرتا در
 همتا ؛ لاتی در سرتا ز
 جمعه در سرتا سرتا سرتا
 میگردد . سرتا اس اسرتا
 سنا سد همتا اجستی است
 که کردستان در جلوگیری از
 شکل گیری ارتجاع و تقویت
 دولت تا کنون داشته است .
 حمله بد کردستان ، حمله بد
 انقلاب ایران ، تنویست
 ارتجاع ، شکل گیری ضد
 انقلاب و ارکاتنیای آنست .
 در روابط فعلی مبارزه
 انقلابی خلق کرد در سخت
 سرتا شرایط بد شکل جدید
 آن یعنی نیضت مقاومت
 دگرگون میشود ، مبارزه ای
 طولانی و سخت که در آن سرتا
 اریسنا سازمانیای کموس
 سرتا با بد خود را مستحکم
 کردا ند و در آن سرتا
 خلق کرد برای ندا و م آن و
 سمت گیری صحیح آن قرار
 گیرد . اسن سازمانیای
 کمونیستی ، در عین حال
 با بد بکوشند تا با جنبش
 کمونیستی در سرتا سرتا
 سوسند سرتا رکتست و
 زمینه ها ی وحدت و تشکیل
 انقلابی واحد کمونیستی
 را فراهم سازند . سرتا
 جنبس سازمان کموس
 سرتا واحد رهبری صحیح
 و همتا سد جنبش طبقه
 کارگر و خلق ایران سرتا
 نمست .
 لسن در سرتا اس اسرتا
 میگوید :
 مسالچ طبقه کارگر سرتا
 ایجاب میکند که کلیه ملیتیا
 روسیه (در شرایط ما ایران)
 در سازمانیای پرولتاری
 و ا جدی اعم از سیاسی ، سرتا
 آتی و کتوپرا تیموس و تنویستی
 سرتا در سرتا ۱۸

خلق کرد پشتیبانی کنیم!

در حمله به دانشکاه هیوا و مراکز آموزشی، هیأت حاکمه، هرجا، نگرانی را بکار گرفت و انقلاب فرهنگی را باقی خویش را بداند نامرساند. انقلابی بر علیه فرهنگ استعلاقی و با کمک مزدوران و حماق بدندان و اواسان! اما در دانشکاه دلوچستان افغانستان نزد این انقلاب شرکت داشتند جریان واقع از این فرار است:

از او آخر فروردین، مقدمات حمله به دانشکاه دلوچستان فراهم شده بود در مساجد این مراکز فساد! حمله میکردند و توده های ناآگاه را بقتل خراب این مراکز تزییح مینمودند. اما این تبلیغات بر توده ها اثر چندانی نداشت. ارتجاع که در دلوچستان با کاهنی ندارد. روزیکشنبه ۱۳/۱۶ دستان از عوامل مزدور و خود فروخته و فریب خورده را روانه دانشکاه کرد که با

در انقلاب فرهنگی

دانشگاه بلوچستان

افتان هاهم

شرکت داشتند!

مقاله دانش آموزان و دانشجویان حتی شد. این بود که فکر استخدام مزدور افتاد. آنطور که گزارشهای چند روز گذشته نرسد. در این راه ۸۰۰۰۰۰ هزار تومان از پول بی زبان این ملت بکار گرفته شده است. آنها با این پول هنگفت سبک اسخام پارادای از انقلابی میا حرکت در وضع بدانی سر میبردند و حسود دستان از حماق بدندان حرفه های زابلی را نبرد خدمت گرفتند و رهبری این دست درازان غیر معمول بیاد با داران غیر بومی زاهدان بعهده گرفتند. و آنکه دکمه جیرا ما دهند. دو شبیدت، استانبدار، سستان و بلوچستان کسار ستگان هاسمی رفتنانی است در راه سو و تلویزیون حضور پیدا کرده و مردم را به حمله به دانشکاه فراخواند و اظهار داشت که من و زوجه منون بیابین شما خواهیم بود.

رئیس دانشکاه، در حقای دانشکاه در انحرک در بیرون اصلاح دانشجویان میکنند و خود اردان دانشکاه خارج می شود نزدیک ساعت ۱۲ حدود ۱۵۰ نفر که بیست و سه نفر با اسلحه ها و تیراندازان و افراد مسلح حضور داشتند در اطراف دانشکاه جمع شدند. انجمنی انجمن های اسلامی ما موریت دانشکاه انرا دنبال را بدست میا معرفی کنند. در این هنگام یکی از مزدوران ترسید میزند: "عمر کفر باستان رسیده و سن رکاره سلطینا فنا را بر می کند. اسلحه ها سلاح، شمشیر و غایر معال ریند و آنها را است با حتما برده و بیدر کسار میسند و بیاد سنی بوسی ادبا داران با نیکان حتی در آن حضور داشتند مکتا بندند. جما فداران و دستهای سلاح، تمام دانشکده ها را به مخروبه ای تبدیل میکنند. کتابها و دفاتر را به آتش

میکسند و بنا حقیان های محل سکونت دانشجویان و اسنادان حمله میکنند و بنا کلیدهای کدازت سلسل در اختیاران قرار دادند و اردان حقیان شده، دانشجویان را محروم و اموال باخیر آسیرا غارت میکنند. حاصل انقلاب فرهنگی اسلامی از ربحاغ حسن بود:

- * - غیرت و سلسله کلولد و حماق رخصت جدید.
- * - غیرت و سلسله کلولد کاروان سیدای انقلاب اسیران اسروددگیسند.
- * - غیرت و سلسله کلولد و زندانی جدید.
- * - یکی از سیدای رخصت حادق بطوری، انقلابی کونستنی که مدتی تیز در زندان آرمایی بر سر برده ساسانی نده است و پوشید دیگران اسناداران مزدور مفقود کرده اند.
- * - عده ای از دستگیرندگان را با هوا بسایه تپسیران و زندان اوین منتقل کرده اند.

اخبار جنبش

حکومت و دستکاه های نظامی و امنیتی آن این روزها برای جلوگیری از جنبش انقلابی، دست به کشتار خلق و فرزندان دلبر و مبارز زش زدند.

رفیق حمید سلحشور، کدور تاریخ ۱۳۴۴ متولد شد بود، علی رغمی کم خود، بدحاری در چشم برجیس و دشمنان کارگران و زحمتکشان میماند و او که در خانواده ای زحمتکش دنیا آمد و از بدو کودکی با رنجها و دردهای طفله کارگر آشنایی پیدا کرد و بود، خلقی زود عزم و مبارزه بر علیه رژیم ساسان وارد کردند. در سراسر دوران حشر انقلابی ۵۷ - غن مقاومت و اسناد کپی

رفیق حمید در مدرسه، شرکت فعال او در اعتراضات توده ای، تظاهرات، معسار توی بی، ... یک نمونه از زنده انقلابی محسوب میشد. او در این دوران آرمودکی انقلابی یافت تا در مبارزه بر علیه سیستم سرمایه داری و استبداد آن کمک بکند. آشنایی رفیق با مارکسیسم لنینیسم، او را به جان ساز صدق و بیستور راه آزادن ایغه کارگر تبدیل کرد. بطوریکه پس از تیانما لحظه شهادت بدست میزدور ان حکومت دقتیغای آرام نداد. رفیق حمید در کار بخش انتشارات سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر، بوضوح مارکسیسم لنینیسم

بدهر زندان زحمتکشان و اختصای اثری خود بدفعا - لست انقلابی به همراه او داد. ران روزندگان در مسجد سلیمان، واقعاً برجسته و نمود بود. او فرزند انقلاب و طبقه کارگر، فرزند وفادار بدما رکیسم - لنینیسم و مبارزه انقلابی بود. بنا بر این کاملاً روشن است که چرا عوامل کمیته های سابق با توطئه و نقشه چینی از قبیل، رفیق حمید را به شهادت رساندند. حکومتی که دشمن کارگران زحمتکشان است دشمن فرزندان انقلابی کارگران نیز میباشد. مزدوران کمیته سابق که حالا نفس بیلس مخفی و نندهای تعقیب با واک را بازی -

کند، رفیق حمید را به همراه رفیق دیگری تعقیب میکنند

یاد
رفیق شهید رزمنده
★ حمید ★
سلحشور
گرامی باد

دور رفیق دچار خونریزی داخلی میشوند که در اثر آن رفیق حمید در بیمارستان شهادت میرید. کوشش دادگاه برای محتوم اعلام کردن بیرون شده (آنتیمه ساعت ۱۱ از شایان رفیق) نشان میدهند که چگونه عوامل حکومت سعی در سنان کردن جناح خود و تبدیل آن بد حادثه نمودند. روابط عمومی ساسان - با سداران محصل سلیمان در اعلامند خود سازمان رزمندگان "را مورد آشنایم ترار میدهد و میگوید آسیرا در مورد عزیز محمدی و حمید سلحشور و استبداد سداران آسیرا را سنیاد بر بنده اسسدر و روح میکوسند.

مبارزه خلق کرد از مبارزات دیگر خلقها جدا نیست!

ما ضمن اعلام اینکده سیاه پاسداران مسجد سلیمان تاکنون جریگرو بینه، نجار و بناد مدرس حقوق دمکرا - شیک بوده جا و... به شهادت رساندن رفیق عزیز محمدی کار دیگری نکرده است (دلیل ما همان اعلامیه است که به صراحت میگوید رفیق عزیز توسط یکی از پاسداران

ان انکار پاسداران را پاسدار نیست - به شهادت رسیده است ۱۰ اعلام میداریم که در مورد رفیق حمید هم دلایل کافی وجود دارد که عوامل کمیته سابق وی را تعقیب کرده و به شهادت رسانده اند. سیاه پاسداران اگر یکی در کف خود ندارد چرا بدون اینکه با زمان ما

رسماً در این مورد اطلاع دادیم دادها تدمیکوبد با پاسداران حمید سلحشور را به شهادت رسانده اند جنابکاران تریبنا : خود از آن حرف میزنند. وقتلاً خود را تیره میکنند. بدون تردید این اعلامیه پاسداران که در تاریخ دوشنبه ۸ اردیبهشت پخش شده است، نشان ردای پاسداران در

شهادت رساندن رفیق حمید است. هیأت خاکم دستا نشانی را به خون خلق ایران آغشته کرده است و کمان میکند با شورش، کشتار، سرکوب، خفقان و... میتوانند جلوحنبس انقلاب بی رایگردد اسرکتوسی رژیم دیکتاتور نادانان را بدیدند - بخدا انقلاب نشان دادها -

شکده هیچ قدرت خدا انقلابی نمیتوانند در مقابل مبارزه خلق ما. مبارزه طبقه کارگر مقاومت کند. نیروی از آن راه رفیق حمید و همگی شهیدای راه آزادی طبقه کارگر میباشد! "درود بر رفیق حمید سلحشور رزمنده انقلابی راه آزادی"

راهپیمایی در آبادان.

بدستور حکومت، کشتار دانشجویان، سرکوبی خلقها هنوز ادامه دارد! روز دوشنبه ۸ اردیبهشت بد دعوت وحدت انقلابی، کلسخی، بیگار و رزمندگان از فلکه اینتکاه کوی اتحاد راهپیمایی در اعتراض به وقایع اخیر دانشگاهها و کشتار خلق گردانجام شد. در این راهپیمایی چند هزار تن از مردم مبارز آبادان

شرکت داشتند و اقدامات اخیر حکومت را در جهت سرکوبی خلقها و جلوگیری از توسعه انقلاب و... بشدت محکوم کردند. راهپیمایی علی رغم حملات فالانژهای آنان که همان مزدوران غیر رسمی رژیمها بودند، ادامه یافت. راهپیمایان پس از عبور از چند خیابان اصلی شهر در مقابل سینما رکن قطعاً مدای خوا - تند و راهپیمایی با قرائت

قطعاً مدایان با قیامت بخشی از قطعاً مذخو اند شده چنین میگوید. اسرار کسندگان در این راهپیمایی اعلام میکنم که: "کشته کردگان مبارزان سید، بنسرو آوار کردن طبقه کارگر را محکوم میکنم و خواستار احیای جوری اسر و سادها در آبادان هستم."

۱۲ حملت. کشتار و خمی کردن دانشجویان انقلابی را محکوم کرده و خواستار آزادی جوری دانشجویان رندای هستم... همچنین راهپیمایان خواستار دستگیری و محاکمه عاملین فاجعه سینما رکن در سال ۵۷ بودند. باره ای از شعارهای راهپیمایان اینها بود: "ارتش خلقی، از گردنستان

ایران اخراج باید کردد". "مبارزان سید بنسرت ارتش شاه، محکوم است محکوم است". "مرک بر آمریکا، مرک بر ارتجاع برنده". "سینما رکن در پیشگاه توده، افتاد باید کردد". "زندانی سیاسی خلق عرب، آزاد باید کردد".

در حاشیه وقایع رشت.

* - حمله به دانشگاه سخرانی و تحریک هادی غفاری شروع شد. * - پس از درگیری و کشتار و زخمی شدن نیروهای مبارز، هادی غفاری با اراذل و اوباش همراهین، در یک نوبت و چند بیکان در شهر میکشند و کشتی در دست غفاری دیده شد آنها به کمونینت ها فحش میدادند. * - نیروهای ارتجاعی پس از کشتار و زخمی کتاسوزان را انداختند و انقلاب فریبکی جویی را، چون دیگر شهرها تکمیل کردند. * - در نتیجه حنا زه منزه موسی نژاد دانش آموز سال دوم دبیرستان که با شرکت

معلمین، دانش آموزان و گروهی از مردم صورت گرفت و توسط عددهای اوباش مسلح به چاقو و چاقو با حمایت پاسداران مورد حمله قرار گرفتند. * - بدنبال شهادت فرزند یکی از بازاری ها، قسمتی از بازار رشت تعطیل شد.

شهادت زهرا ۱۹ - ما همیاست که از ما محبت خلقی رژیم، از اذخاستا - منتها هی ارتش و فرماندهان مزدور سخن گفتند و در همین حال، ما همیاست که همیاست که در همه وسعت جویس، آب نظیر بر ارتش ضد خلقی ریختند و دست آبرای همسر کوبه توطئه و خیانت و اعمال ضد خلقی سازگدا شد است.



۱۲ اردیبهشت سالروز شهیدای خلق کرد!

هلی کوپترها و نیروهای مخصوص خویش، که اکنون نیز توسط جاسوسان سوفور بکار میروند، استغافراوان نمود. کمینه انقلابی با دادن دهها شهید از جمله "مهندس اسما عیال شریف راد" معروف به "مدلا عرب" و "ولیمسان معینی معروف به قاسق" و عبداللدمعینی "شکو" و ملا حمدلما "مدلا وارد" و سیدناح نظامی، درویش اسما عیال، درویش عثمان میندیم، خلیل، دو بای، مراد نریز، همیاران خوبش ادا مددا دو بای مجبور شد عقب نمایی شد. ۱۲ اردیبهشت سالروز شهادت این رفقا و دوارد - حسن سالگرد مبارزه مسلحانه کردستان را گرامی میسدارم.

اصال خلق کرد، ۱۲ اردیبهشت را بر بر میباران شهرها و روساها، توسط ارتش و دستورها ت حاکمیدررک مدارد. خلق کرد، با لیبانت مسلحان و غیر مسلحان میرزمد، یکی از مبارزان بیادماندن خلق کرد مربوط بدمان لجان ۴۶-۱۴ است که در



خرده بورژوازی

و

انقلاب -۷-



خرده بورژوازی مدرن بمثابه بخشی از خرده بورژوازی ناپیستی از سالهای ۵۰ آنچنان اهمیت چشمگیری در میان افسار و طبقات نداشت، و جای درخور توجیهی را اشغال نمیکرد. زیرا که صنایع و خصوصاً بخش خدمات از او خرده دهه ۴۰ شروع بدکستری همجانیه نمودند. و از آن میان توسعه دازات دولتی یا تعبیراتی بوروکراسی دولتی در کنار رسیدن مؤسسات بی شمار خدماتی در زمینه های تجارت، توزیع، ادارات و واردات و... تأثیر زیادی در کمترین ابعاد خرده بورژوازی مدرن داشت. آنجا که در سال ۵۱ نسبت این گروه به کل نیروی شاغل ایران حدود ۱۳ درصد یعنی بیش از یک میلیون نفر رسید. این گروه که شامل معلمان، کارمندان، متخصصین، مهندسان، پزشکان دولتی، هنرمندان و نویسندگان حقوق بگیر... میشود، بدلیل نداشتن علاقه مستقیم نسبت به مالکیت و تولید و توزیع و نقش آنها در بازار و به این عنوان که فقط خرده خود را بمثابه کالا عرضه میکنند، طبیعتاً نزدیکی کمتری با نظام سرمایه داری داشتند. و صرفاً از این لحاظ که سرمایه داری موقعیت برتری در مقایسه با پرولتاریا برای آنها فراهم میکند، و استقلال و فردیت بیشتری در کار و موقعیت اجتماعی نسبت به سوسیالیسم برایشان تأمین میکند، و نیز اینکه منافع و خواستهای ناشی از این موقعیت فردی با نظام سرمایه داری انطباق بیشتری دارد. با نظام سرمایه داری وحدت دارند. در نتیجه ضدیت آنها با حکومت سرمایه بیشتر و عمیقتر از خرده بورژوازی سنتی میباید و این گروه به راحتی تحت شعار مخالفت با سرمایه داری و ایجاد معدهی طبقه سوسیالیسم قرار میگیرد. اما با معدهی طبقه سوسیالیسم مطلوب این گروه رنگ خرده بورژوازی بخود میکشد، و منافع تنگ و محدود و زندگی فردی در اساس با سوسیالیسم برولتری هماهنگ و همسو نمیشد. چه این منافع حقیرانه برای حفظ خود، بیوسته از دیکتاتوری پرولتاریا که مهم ترین رجد مشقه سوسیالیسم برولتری از سوسیالیسم خرده بورژوازی بوده، و عامل اصلی تبدیل و انتقال جامعه سوسیالیستی به جامعه کمونیستی و از بین بردن دایره های تنگ و محدود وجود فردی میباید. و حجت دانسته، و بهر ازیب و رنگ به معارضه با آن برمیخیزد. همچنین خاطر است که خرده بورژوازی مدرن مناسب ترین با کار در روزیو-تسم میباید، و همیشه خطر مهمی برای پرولتاریا، از نظر منحرف ساختن مارکسیسم محبوب متوجه دروغها، بلکه در مواردی در علیه سرمایه داری و سبب ساز خرده بورژوازی سنتی شرکت موجود. خرده بورژوازی مدرن بدلیل وضعیت اجتماعی که دارد، خوراک و بایکده مناسبی برای ایدئولوژی سنتی بورژوازی یعنی لیبرالیسم در معنای همه جانبه ای نمیباشد، و در اغلب کشورهای اروپایی صفوف احزاب روبریونیست را متورم

میباشد. بهنگام پیدایش احزاب فاشیست نیز خرده بورژوازی مدرن سهم سزایی در تقویت این احزاب داشت. و حتی حزب نازی آلمان بوسیله عناصر صریح گروه، و در بین آن پیدایش و رشد یافت. بنویسید دمکراسی اوایل قرن بیستم، فاشیسم و روبریونیسم هر سه، جریانهای بودند که در بیشتر موارد با سرمایه داری انحصاری شکل گرفتند و در واقع همسان رنگ خرده بورژوازی یافتن مبارزه با بورژوازی، و در نتیجه نازی با آن میباید. این هر سه جریان بقیه سزای بی توسط خرده بورژوازی مدرن ایجاد دند و پیرویش بافتند.

خرده بورژوازی مدرن از نظر وضعیت اقتصادی - اجتماعی فردیت کمتری و ضعفتری نسبت به خرده بورژوازی سنتی دارد و وجود دکان با کارگاه کوچک مستقل که در چار دیواری آن، خرده بورژوازی سنتی در مقابل همه قرار میگیرد، و بخصوص فقدان حالت جمعی و همکاری در فعالیت اقتصادی و کلاً مالکیت خصوصی نسبت به وسایل تولید و توزیع، همه و همه میباید فردیت عمیق و نیرومند خرده بورژوازی سنتی میباید. چنانکه خرده بورژوازی سنتی در عمل میباید اراده و مرکز دنیا و معیار همه چیز است، و به تنهایی همواره در مقابل ورقیب خود میباید. بر این مبنا، سراجی از دنیا کننده میتواند و بشود و منبع نیروی پذیرش را دیگرند در زمین و در میان اجتماع، بلکه در آنها جستجو میکند. ضعف اجتماعی خود را در تویل به شوریدگی نیرومند و ما فوق بشری جبران میکند. و خوشتر را به آن و به سماندگان آن میباید. بدین جهت، مذهب در بین خرده بورژوازی سنتی بایک دست و نیرومندی میباید، و متفلاً، بر سمان توست و جنگ زدن خرده بورژوازی سنتی به قدرت، برای تقویت نهال فردیت آن میباید.

اما برعکس، برای خرده بورژوازی مدرن، مذهب چنین نقش مهم و لازمی را انجام نمیدهد. محیط جمعی کار و فعالیت خرده بورژوازی مدرن عموماً وجود نوعی همکاری در جریان فعالیت اقتصادی - اجتماعی خرده بورژوازی مدرن مادی تلازم را برای کندن از اجتماع و توست به نیروهای ما فوق اجتماعی پدید میآورد. لذا، آن فردیت عمیقی که در خرده بورژوازی سنتی بچشم میخورد، که جز خود و خدا کسی را نمیبیند، در ذهنیت خرده بورژوازی مدرن موجود نیست. و از طریق پیوندهای مستقیم و تنگ تنگ به اجتماع و به افراد دیگر وصل بوده، و این وضعیت مانع از پدید آمدن آن مبناهای ذهنی میباید، که در خرده بورژوازی سنتی موجود است و آمادگی این گروه را برای پذیرش تفکر مادی در مقابل سانسای خرده بورژوازی سنتی کیفیت دیگری میبخشد. آنجا که این گروه به راحتی از علایق مذهبی و لاهوتی چشم میپوشد، و نیز به راحتی تحت تأثیر اندیشه های ماتریالیستی و مارکسیستی قرار میگیرد. با این همه باید توجه داشت که قرار داشتن خرده بورژوازی مدرن در موضع تضادهای فرعی جامعه بورژوازی و نبودن در یکی از دو قطب تضاد اصلی این جامعه، و نیز موقعیت فردی و استقلال نسبی آن، در مناسبات اقتصادی - اجتماعی وی در مجموع و در مقابل پرولتاریا، نوعی فردیت و تبعاً دهست بیاید میآورد. که تنها با روبریایی - پسیکولوژیک و ایدئولوژیک - آنرا با پرولتاریا توضیح میدهد. و در همین حال، توضیح دهنده این امر است که خرده بورژوازی مدرن نه تنها بایکده طبیعی و مناسب رشد اندیشه های روبریونیستی نمیباشد، بلکه بایکده طبیعی و مناسب رشد اندیشه های روبریونیستی و نیز ایدئولوژیایی که در ظاهر نقطه ماقبل سرمایه داری اند، شمار میرود.

پیش از سالهای ۵۰ تنها بخش قابل توجه خرده بورژوازی مدرن معلمان بودند، که مبارزه چشمگیری بر علیه توانین و مقررات موجود شکل اعتبار و نظاهرات انجام میدادند. نخستین اعتبار معلمان در سال ۳۹ صورت گرفت که بیشتر هدیه های سنی داشتند و بوسیله عناصر نزدیک به جبهه ملی رهبری میشد. از آن سال به بعد نیز معلمان هر چند با دستی به اعتراف بخاطر حقوق و مزایای خود میزدند. منتهای مبارزه معلمان که جلوه مستقل مبارزه خرده بورژوازی مدرن بود، این گروه تحت لوای ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی بورژوازی ملی، خرده بورژوازی سنتی یا پرولتاریا حرکت میکرد. عدم رشد و تکامل لازم سرمایه داری ایران، و نیز وجود دیکتاتوری خشن مانع از آن بود که خرده بورژوازی مدرن در زیر پرچم احزاب روبریونیست بتواند متشکل گردد.



با خارج شدن بورژوازی ملی از حلق مبارزه بر علیه رژیم حاکم خرده بورژوازی مدرن عمدتاً تحت لوای ایدئولوژیک بخر با ثنی خرد ه بورژوازی سنتی یا در کسوت مبارزه ملی اعتبارات خود را متجسسی میساخت و در مبارزه بر علیه رژیم حاکم شرکت مینمود. کوا ه با رزاین ادعا بنیاد نکذاران سازمان مجاهدین خلق و محیط رشد و پرورش اولیاد است اسن سازمان بوسیلهدا نتجوبیا نوزاغ التحصیلاتی که در گذشته با "نیفت آزادی" همکاری داشتند، موجود آمد. در اثر تغییر و تحولاتی که در جامعه در آغاز دهه ۴۰ هجری داد و ونیز با بدین بست رسیدن شوه های ممالست آمیز مبارزه بر علیه رژیم، و بخصوص بدینال ممانات "نیفت آزادی" در بر خورد با رژیم عناصر را بد کال نیفت که عمدتاً پرورش یافته محیط سیاسی دانشگاهی بودند، و محقاس زیاده ت تحت تأثیر چپ قرار داشتند. از "نیفت آزادی" جدا شده و حرکت مستقل خود را آغاز کردند. استان علی رغم آنکه بوسله مذهبی اندیشه های مبارزاتی خود را که محمول گذشته فعالیت در "نیفت آزادی" و جوهر خرده بورژوازی آنها بود، حفظ نمودند، بدلیل بیداد مدن حالتی التقاطی بین عناصر مذهبی و مادی در تکرش سیاسی آنها، در ابتدا شناواستند یا بکاهی در میان خرده بورژوازی سنتی و بازار بدست آوردند. و اغلب نیروهای که جذب کردند، همان خرده بورژوازی مدرن و طبقه های این گروه یعنی دانشجویان بودند. با وجود آنکه سازمان مجاهدین خلق نتوانست نفوذ لازم را در میان خرده بورژوازی سنتی و بازاریان بدست آورد. اما با ز در ارتباط تنگاتنگ با این گروه بود. این ارتباط از آن جهت نامین میشد، که اولاً سازمان مجاهدین عمدتاً فرزندان و وابستگان همین خرده بورژوازی سنتی را در میان دانشجویان و دانش آموزان جذب کرده بود. و ثانیاً فعالیت آن در ارتباط نزدیک با مساجد و محیط های مذهبی بود. در مقابل، سازمان چریکهای فدایی خلق که یک جریان غیر مذهبی و مل بود، عمدتاً در میان خرده بورژوازی مدرن نفوذ و پایگاه بدست آورده بود. این جریان بدلیل مئی انحرافی خود، از بیرونتاریا دور افتاده بود، و همچنین بخاطر مخالفت آن با اعتقادات مذهبی و تیرا اعتقاد آن بداندیشه های مل در میان خرده بورژوازی سنتی - بخصوص با زار و بخش مرفه این گروه، هرگز پایگاه و نفوذی نداشت، و برعکس، جوهر اداری نیرومندی در بین کارمندان و دانشجویان و، کلاً خرده بورژوازی مدرن موجود آورده بود.

سازمان چریکهای فدایی خلق، برای خرده بورژوازی مدرن جاذبه سیاسی بیشتری نسبت به جریانهای دیگر داشت و بسیار رنجور و وسیعتر از سازمان مجاهدین خلق توانست در میان این گروه نفوذ بچهراند، و پایگاه بدست آورد. بینشهای سازمان چریکهای فدایی برای سرای روح رهیده از فرائض، الزامات مذهبی خرده بورژوازی مدرن مطلوب بوده، و از این زاویه، جاذبه بیشتری نسبت به سازمان مجاهدین خلق برای خرده بورژوازی مدرن داشت. دیدگاه پوپولیستی این سازمان و سایش انداختن آن بر روی استقلال و شمایز طبقاتی بیرونتاریا درسیاست، حتی تمرکز کار سیاسی در بین توده های هیویت خلق، بخصوص خرده بورژوازی وازی بخوبی و یکمال مورد پسند و مطلوب خرده بورژوازی مدرن بود.

شعارهای خاص این سازمان اعم از مبارزه با امپریالیسم، با سرمایه داری وابسته و با دیکتاتوری رژیم شاه، بخصوص از آن جهت که آلترناتیو وضع موجود را ندر جا معینی که رهبری سیاسی آن بدست بیرونتاریا باشد، بلکه در جا معینی میدید که خلق بی نام پیرونا معین بر اریکه قدرت آن منبست، همه و همه در واقع شعارهای خاص خرده بورژوازی بوده، و از آنجا که آمیخته با تفکر مادی و رنک و بیوی کمونیستی بود، شعارهای خود ویژه و طبیعی خرده بورژوازی مدرن محبوب میشد.

وقتی شعارها و هدفهای مبارزاتی سازمان مجاهدین خلق را نیز در کنار آنچه فدائیان خلق دنبال میکردند، قرار دهیم، مشاهده میکنیم، که نزدیکی و وحدت زیادی بین آنها وجود دارد. "ما کمیت خلق از طرف فدائیان و حکومت مردم مردم" از طرف مجاهدین خلق، به علاوه اینکه هر دو طرح میکردند، که شما مواستکیهای اقتصادی و سیاسی، نظامی و

غیره یا بدلفو گردد، و سرمایه های وابسته ملی گردد. و زمین بدهی واکذا ر شود، بخوبی تأشید مدعای ما ست، و انکی، هدف جدا کنر و سازمان تا بودی نظام سرمایه داری و ایجاد معدوسیا لیستی "جامعدی طبقه" بوده است.

برجسته شدن وحدت خلق و سرمایه افسان بر روی شمایز طبقه خلق، و بویژه سازش بودن تما یز و استقلال بیرونتاریا نسبت بد طبیعت که در سیاست، هدفها و برنامهد کار هر دو جریان وجود داشت. نشانه رزج واحد خرده بورژوازی است که هر دو جریان حاکم بود.

اما، در عین حال، این هر دو جریان از لحاظ اینکه در بنیاد حواسناریا بودی نظام سرمایه داری و از میان رفتن استثمار و ایجاد "جامعدی طبقه" بودند، موضعی را دیکال در مبارزه بر علیه رژیم حافظ نظام سرمایه داری وابسته داشتند، که متناسب با وضعیت اقتصادی - اجتماعی بحث مرفه خرده بورژوازی سنتی نبود، و از آنجا که این بخش خرده بورژوازی در دل سیستم سرمایه داری و وابسته تغذیه میشد، و جوش خودرکی زیادی با مناسبات این چنین جا معینی دارد. این دو جریان نسبتاً توانستند نما یند سیاسی طبیعی آنها باشند. از این میان، بنیاد وجود آنکه سازمان مجاهدین نمیتوانست نما یند سیاسی طبیعی و بازارگان بخش مرفه خرده بورژوازی سنتی باشد. معیذا توانست که بخش مرفه خرده بورژوازی سنتی را بدینال خوشگمانند، و در عمل خرده بورژوازی سنتی مردمی همراه نما یند تاریخی اش که روحانیت بود، تحت نفوذ و تأثیر بنه سازمان مجاهدین خلق فرار گرفت، و به رهبری سیاسی آن تحکیم کرد. و کرجه مواض را دیکال این سازمان برای آن کران بود، اما بدلیل حلا نمود سیاسی خاص خرده بورژوازی مرفه در اثر خفقان و سرکوب خن و رونق نسبی بازار نا کزیرا دنیا لدروی بود.

سازمان چریکهای فدایی خلق، هر چند که نفوذ زیادی در بین دانشجویان داشت، اما از لحاظ نفوذ توده ای هرگز قابل مقایسه با سازمان مجاهدین خلق نبود، که این امر از سویی در ارتباط با مشکی خرده بورژوازی فدائیان بود که مانع از نفوذ آنان در میان کارکنان بعنوان پایگاه طبیعی مل، لها میکردید و از سویی دیگر ناشی از اعتقادات و تعصبات مذهبی مردم بود، که زمینه ذهنی جذب نظرات مجاهدین خلق بشمار میرفت. لوای مذهبی مبارزه مجاهدین خلق نقش عظیمی در بدینال گشتادن خرده بورژوازی سنتی مرفه داشت، چنانکه بدلیل فاطمه پس از تحولات ایدئولوژیک درون سازمان مجاهدین خلق و حتمی مدتی پیش از این جریان بازاریان با وقوف بیشتر بر نظرات مجاهدین سریعاً از آن روی برتافتند، و آسرا بجال خود را کردند. این جریان معادف بود با تشدید تناقضات نظام سرمایه داری وابسته و افزایش نرخ تورم که مستقیماً در بازار رودر کسب و کار خرده بورژوازی تأثیر میکذاشت، و موجب بروز حالت کساد و رکود در بازار گردید. اقدامات رژیم شاه برای حفظ نرخ غارت و استثمار سرمایه وابسته و از جمله مبارزه با کرافروشی و ایجاد اتاق اصناف پیش از هرکن کریمانکیر خرده بورژوازی وازی سنتی و بازار گردید، رژیم شاه برای خن کردن مبارزات توده ها بر علیه اجافات و فشار زندگی، با برنامهم مبارزه با کرافروشی، مستقیماً به خرده بورژوازی سنتی هجوم آورد. اما، این امر در کنار نوعی کسادی و رکود که در کسب و کار خرده بورژوازی پیدا شده بود، اعتراضات و ناراضی بینی خرده بورژوازی را تشدید نمود، و مبارزات آنرا دامین زد.

شدت یابی ناراضی و اعتراضات خرده بورژوازی سنتی بدینال خود شب مبارزاتی بازاریان را افزایش داد، و چهره های سیاسی تازه کار خرده بورژوازی سنتی مرفه را دوباره به فعالیت سیاسی بر علیه رژیم شاه کشاند. ایستان که تجربه نلخی از دنیا لدروی از سازمان مجاهدین خلق داشتند، سراج نما یندکان سنتی و طبیعی خود یعنی روحانیت رفتند، و نظرات را دیکالی مجاهدین خلق را بدور ریختند، و توانستند نما یند کی سیاسی سازگاریا منافع خود را، که هما روحانیت سیر و تخمینسی و

شماره صفحه ۲۰

سرکوب نیروهای انقلابی خدمت به امپریالیسم است!

بغداد از صفحه ۱۳

موقع شناسی

هیات حاکمه

و عمده متحد کردند. فقط یک چنین درآمیختگی کارگزاران ملیتهای کونا کون دربار ما و احداث که به سر وقتا ربا امکان میدهد علیه سرمایه بن المللی و آسیونالیم یورو و پی بیروز مندانه ما روماید.

(قطعا مد در باره مسئله ملی ص ۲۷۲ منبخت آثار)

همینطور وظیفه کمونیستها در ایران و حتی تریبیت پرو - لتاریا بنحوی است که حلق ملیتها را در تعیین سرنوشت خویش بدرستی دریا بندوا ز آن دفاع نمایند. با توجه به آنکه اصولهای حاکمه آگاهانه روحیه ناسیونالیستی را در ما میزند و خرد بورژوازی از ی کثیرا العده ما نیز با حرص و ولع این روحیه را اثنا عم میدهد. این وظیفه دشوار و پر اهمیت ترمیکر - دد، "تساوی کامل حقوق ملتها، حق ملتها در تعیین سرنوشت خویش، بهم آمیختن کارگران کلیه ملتها اینست آن برنام ملی که مارکسیسم بکارگزاران سنا موزدها اینست آنچه که تجربه تمام جهان و ... ما مورد "لبنین منبختات آثار - ۲۷۲

طبقه کارگر را است تاریخ خود را در آساختن با بر خلقها باید خوبی درک کند و در راه آن عمل نماید. آگاهی سیاسی طبقه کارگر نسبت به مسئله کردستان گامی بزرگ در راه آگاهی و سعترا و نسبت به کل سیستم اقتصادی - اجتماعی موجود و ضرورت انهدلم آنست.



از هیئت حاکمه همه جوړسیاست دیده بودیم جز این آخری که الان بمرضان میرسانیم جریان مربوط میشود به کشته شدن محمدا قمر صدر بوسیله رژیم بعث عراق. بنا بر آنچه روزنامهها نوشته اند واقعاً قبل از ۲۵ فروردین انجام شده است و بعد از تحقیقات مختلف، همگانه روزنامهها بویژه روزنامه جمهوری اسلامی دوشنبه ۲۵ فروردین را با تیترو درشت پیشیاد ت آیت الله صدرا اختصاص داده بودند. مثلاً همین روزنامه جمهوری اسلامی روز ۲۵/۱ مینویسد:

"نا به گزارشات متعدد بعثت عراق که برگرتری جنایت تاریخ سنگین خود دست رد خناره فقیه مجاهد و مبارزه ستوه... و خواهش نیانه خاک سپرده شد... بعنوان اعتراض به حمایت هولناک رژیم بعثت عراق، نما رحما است حوزه علمیه نجف از سوی خویش تعطیل شد... شورای انقلاب اسلامی عراق نه حضور امام خمینی تلگرام تسلیت فرستاد... در تاریخ ۱۲/۲۳ سوه آیت الله خویشی در دمشق این خبر را تاخیر کرد... مجلس شیعیان لبنان اعلام عزای عمومی میکند... با پخش خبر شهادت آیت الله مدرقم کیا رچه عراشد... دانشجویان کویت برای اعتراض به این عمل اعتصاب غذا میکند..."

با تمام این احوال خبرگزاری پارس گامه صبرش لبریز میشود که البلا مرغ یکپا دارد و روز اول از دبیهشت طی اطلاعیههای اعلام میکند:

"در تحقیقات وسیعی که راههای رسمی و غیر رسمی عمل آمد خبر روزنامه جمهوری اسلامی در مورد شهادت امام صدر بی اساس بوده و باس ترتیب تکذیب میشود."

و بدینال آن سخنگوی شورای انقلاب اسلامی عراق، حرکت وزارت ارشاد ملی را متکوک اعلام میکند (جمهوری اسلامی ۱/۳) و "روز یکشنبه ۱/۳۱ نماینده شخص شهید و نیز نماینده مجلس شیعیان لبنان شخصاً در خبرگزاری پارس حضور یافتند تا از این طریق اطلاعیه و مطالب

خود را، حاکی از شهادت حضرت آیت الله العظمی محمدباقر صدر بیکوش مردم ایران برسانند. کیهان ۲/۳. قضیه تدریجاً فروکش میکند! ما جمهوری اسلامی روز اول اردیبهشت مجدداً مینویسد:

"محمود صابئی نماینده نام الا خیار... صدر بیروت حسین صبا به خود را در رابطه با شهادت، هراغلا بالاسلامی عراقی..."

برتان را در دنیا وریم از تاریخ ۱/۲۵ به بعد هر کوشه روزنامهها خبری از "منابع موثق" در تا ۱۰ گذشته شدن با قمر صدر نوشته شد. تسلیت

نامهها از مقامات مختلف بویژه شورای انقلاب اسلامی عراق، برای آقای خمینی ما در میشد. اما هر چند "همه گزارشها چنانکه منتشرند حاکی از این جنایت کثیف رژیم بعثی عراق بود. اما با زافا متکاها تمام، واکنشی رسمی دریافت نمیشد" کیهان ۲/۳.



اما لحظه ما عد برای اعلام عزاداری فرارسید، دانشجویان را در دانشگاه کشتار کردند، هجوم به دانشگاهها افکار عمومی را متشنج کرده بود، مردم شهیدان خود را کرامی میداشتند، مراسم برگزار میکردند با یعد علم عزاداری را بلند کرد، با یاد از توبه را همیشه بیها و عزاداریها مرک جدیدی بیرون کشید و چه بهتر که الان برای با قمر صدر اعلام عزاداری عمومی کنیم، تعطیل عمومی علم کنیم. مساجد و تکایا را راه بیندازیم و عزادار کنیم... و بدین گونه است که از روز چهارشنبه ۲/۳ یعنی بعد از کشتار دانشگاهها برای سه روز عزای عمومی همراه با مراسم و هیما بی برگزار میشود. روزنامه جمهوری اسلامی که بیچاره تا زه کار است و بقول خبرگزاری پارس "از مصالح مملکتی" و از قواعدی از اطلاع

ندارد روز ۲/۳ داد و میداد را میاندا زد که "از مسئولین وزارت ارشاد ملی میسریم که آیا بجه وسیله ای اطمینان کامل یافتند که رژیم بعثی عراق دست به چنین جنایت هولناکی نزد که با بنظور با عجله در پی تکذیب آن بر آمدند؟"

از مصالح مملکتی" و از قواعدی از اطلاع ندارد روز ۲/۳ داد و میداد را میاندا زد که "از مسئولین وزارت ارشاد ملی میسریم که آیا بجه وسیله ای اطمینان کامل یافتند که رژیم بعثی عراق دست به چنین جنایت هولناکی نزد که با بنظور با عجله در پی تکذیب آن بر آمدند؟"

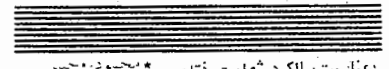
منتشر شد

پست وزارت نفت برای مشاور فنی ساواک


 سازمان برنامه
 تاریخ: ۲۳/۴/۱۳۵۷
 شماره: ۷۹/۴۱
 سری: _____
سری
 ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور
 عطف بنامه شماره ۶۲۴/۱۷۵ مورخ ۲۳/۴/۳۵ بدینوسیله
 آقای مهندس معین فر معرفن میهنوندتادرسائل مربوطه به ساختمان با آن
 سازمان همکاری نموده و طرف مشورت برای رسیدگی به نقشه ها از نظر
 فنی واقع شوند.
 مفسر اصغرا
 مدیر عامل سازمان برنامه

 دایره: _____
 ۱۶/۳۰



تاریخچه سیاسی-تشکیلاتی سازمان ما



بنیادینت سالگرد شجارت رفتا: * محدود و محدود
* محدود و محدود
* محدود و محدود

★ سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر



بقیه از صفحه ۲۰

عنوان کرده بود، روزی سه روز
آنگارنده و هندارکمونیسها
بدواً تعیت نزدیک میبود.
از روزی که امپریالیسم
آمریکا، بد قطع رابطه سیا-
سی با ایران پرداخت، سور-
ای انقلاب بین آنکداییسی
عمل امپریالیسم را بحساب
مبارزات مدا امپریالیسمی
خویش گذاشت و با وفا حسب
نمام، سر از دما ده کپیرو-
های جیب و انقلابی در مبارز
قطع ای روابط با فساری
میکردند، فرمان حسن و نادای

ما در کرد (و سازمان)
چریکها نیر در این حسن و نا-
دی شرکت کردند! در حالی
کدهی میکرد خود را شکول
نشان دهد، بد خط و نشان
کنیدن برای نیروهای
انقلابی و کمونیت، کارگران
وزحمتگان سراسر ایران
پرداخت و صریحاً اعلام کرد که
از این پس گروههایی کدها
نورای انقلاب مخالفت
میکردند اگر به اس مخالفت
ادا مد دهند، خدا انقلاب محسوب
عدومجازات خواهند شد. در
همان جلسه نورای انقلاب،
بگفتند خودت "تصمیمات مهمی"

اتخاذ کرد که قرار بود اعلام
نودولی تا این لحظه اعلام
نشده است! این تصمیمات چه
بوده است و آیا از اجرائیش
پنیمان شده اند؟ نه! این
تصمیمات رسماً به اجرا گذاشته
شده و می شوند. بگور ز به چا-
بچانه ها میریزند و بگور ز به
دانشگاهها، بگور ز به بیانه
با کمازی ادارات نیروهای
انقلابی را زیر ضربه میکبرند
و بگور ز در استان را مباران
میکند، بر نامه، وسیع سرکوب
در همه جا رسماً پیاده میشود و
سال امنیت همانطور که وعده
کرده بودند آغاز میشود.

امپریالیسم آمریکا رابطه
سیاسی را با رژیم قطع میکند!
رژیم تلافی اش را بر سر
نیروهای انقلابی و کمونیت
در میاورد!
اما هیات حاکمه این بار
نیز در موقعیت بدی قرار دارد
کوس رسوایی هیات حاکمه،
پس از هر عمل ضد انقلابی، در
هر کوی و برزن بمبارا در می آید.
بجرات میتوان گفت که
نیست به دوران اشغال سفارت
حکومت با زهم از وضع مسزلسر
لتری برخوردار است، و این
موضوع وظیفه سرووهای
مبارز و انقلابی را حاسن تر

میکند. آنها با یدبا دقت
عمل و شناخت درست شرایط،
با تقویت مبارزات ضد
امپریالیستی و مبارزات
طبقه ای توده ها، با پشتیبانی
بسیار مان از خلق کرد، سیا
افشای همه سیاست های ضد
خلفی هیات حاکمه از ریز و
درشت، ضد خلق را به نزو ا
بکشاند.
تجربه بد توده ها در س
میدهد! اینک وقت آن رسیده
است که به توده ها نشان
دهیم، "کمونیت ها به مردم
دروغ میکوبند" آنها
بغید در صفحه ۱۵

بقیه از صفحه ۱۷۴
خرده بورژوازی...

با ران و بیروان وی بودند، مجدداً فعال سازند. بتدریج عکس‌ها و تصویرهای خمینی که نسبتاً از ظاهر رخت بر بسته بود، رواج یافت، و او توریسته آخوندهای طرفدار خمینی از نظریه‌های افزایش پیدا نمود. محفل‌ها و گروه‌های مذهبی - سیاسی بوسیله بازاریان و چهره‌های بارز خسرده بورژوازی سنتی مرفه بوجود آمد، که تشکیل دهندگان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از همین قماش بودند.

تشدید ناامنی و بالا رفتن تب مبارزاتی بازاریان زمینه‌ساز و موجب افزایش فعالیت سیاسی آخوندها و داغ شدن بازاریان منبرها گردید. بدنبال گسترش فعالیت سیاسی روحانیون برای شرح مایه‌ها و اجتماعی آنها که همان حمایت بازاری و خرده بورژوازی سنتی مرفه بود. اینسان نیز خود را فشرده و متشکل ساختند، و پس از چندی "روحانیت مبارز تهران" را بوجود آوردند.

حلقه سیاسی رهبری رادیکال خرده بورژوازی سنتی و تحولات ایدئولوژیک مجاهدین خلق باعث آن شد که گمان مبارزه سیاسی خسرده بورژوازی سنتی بدست بخش مرفه آن بیفتد و روحانیت پیرو خمینی نماینده سیاسی آن گردد، خرده بورژوازی سنتی مرفه و ایضاً خمینی از شعارهای تند و رادیکال بر علیه سرمایه داری و ثروت بی حد و حساب بدور و بیزار بودند. خمینی حتی در سال ۴۲ مخالف اصلاحات ارضی و تصرف اراضی مالکین - از موضع حفظ مالکیت - بود چه رسد به اینکه مخالف سرمایه داری باشد. بدین خاطر، غایت مطلوب سیاسی خرده بورژوازی سنتی مرفه که هم‌مز سرما به داران بود، بشمار میرفت. برای درک بیشتر رابطه بین خرده بورژوازی سنتی مرفه و روحانیت نقل قولی از یکی از جزوات "آرمان مستضعفین" که مواضع خرده بورژوازی رادیکال را دارد ملاحظه فرمایید:

"او (خمینی) نتوانسته است آنگونه که باید از جو عمومی حاکم برخوردار شود، بلکه همان جا نبداری از بازاریان و تکیه گاه طبقاتی است که بر کنایه ماند. اگر اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های او را در دوران قبل از خروج از نجف و ورود به پاریس بررسی کنیم، میبینیم که مخاطبش تماماً آسیا

بازاریان و حوزة همه جا میگوید: بازاریان تهران، بازاریان صفهان، بازاریان تبریز... و حوزة قم، حوزة نجف و بازاریان اسلام برسد. بداند مسلمانان برسید ما در آن دوران کمترین بینیم که وی اسمی از کارگران، دهقانان و مستضعفین نیاورد. و بعنوان تکیه گاه مبارزاتی خویش، از آنها بخوابد که بیاری اسلام بشناهند و نظام شاهنشاهی را در هم کوبند. ... این دوتیپ (روحانی و بازاری) پیشتر از مبارزه خمینی را تشکیل میدهند، و سایر طبقات مردم میبایست از آنان پیروی نموده، و در پشت سر آنها حرکت کنند. این مسأله نشان میدهد که تا پیش از مسافرت به پاریس "تکیه گاه طبقاتی" و با لطف "تکیه گاه مبارزاتی" وی قبل از آنکه توده‌های مردم باشند، سرمایه داران بازار و طلب حوزة هستند، و در واقع ما شاهد بودیم که در عمل نیز این دوتیپ در طول انقلاب وظیفه بسیار خود را بخوبی انجام رساندند. اولین ناک رسای اعتراض بر علیه رژیم سابق از حوزة علمیه قم در رابطه با پشتیبانی از شخص خمینی رخاست. توسط بازاریان تهران و قم و سایر شهرها

دنبال شد. و بدنبال آن میدیدیم که در تمام شهرهای ایران، این دوتیپ در عمق بخشیدن به شور و فریاد مردم نقش اساسی را ایفا میگردند. روحانیت در دفاع از مبارزه خمینی حاکمیت آینده خویش را میجست و بازاریان نیز میدانست که اگر از خمینی دفاع نکنند، هر رژیمی که بجز رژیم مورد نظر خمینی بر سر کار بیاید، شوک حمله اش متوجه سرمایه داری و استثمارگری آنان خواهد بود. این است که همانگونه که خمینی بخاطر وابستگی شدید به این دوتیپها در دوران تبعید در نجف، تکیه اصلی خویش را تنها بر روی آنها قرار میداد. و برای توده‌ها اصلت مبارزاتی قائل نمیشد. آنها نیز بعلت اینکه در رژیم آینده خمینی موقعیت ممتازی هم از نظر اقتصادی و هم از نظر اجتماعی کسب میکنند. شدیداً از وی جانبداری مینمودند. ... امروز ما بخوبی شاهدیم که اعتماد و اطمینان زاید الوصفی را که وی به روحانیت و به بازاریان دارد. و آنها را مخاطبین اصلی و امین و محرم خویش حساب میآورد. در مورد توده‌ها مردم صادق نیست. مثلاً در ترکیب شورای انقلاب، مجلس خبرگان، گردانندگان دفتر خمینی در قم، دست اندکاران سیاست مملکت و مشاوران و نزدیکان و افراد مورد اعتماد او ما بهیچوجه رد پای از کارگران و کشاورزان و مستضعفین واقعی جامعه نمی بینیم، بلکه تماماً با روحانیانند، و بازاریان و باکسانی که بنحوی ریشه در این دوتیپ دارند. (نظریاتی مدروسی).

رک به "نقش رهبران انقلاب در سیاستهای کلی مملکت بویژه مسأله کردستان" از انتشارات مستضعفین از آنرو نقل قولی اینچنین طولانی را آنهم با روح خرده بورژوازی آن ذکر کردیم، که نوشته مزبور بخوبی از موضع خرده بورژوازی رادیکال ماهیت طبقاتی روحانیت، خمینی و رابطه آنها را با بازاریان توضیح داده است. بازاریان که عمدتاً جایگاه خرده بورژوازی سنتی مرفه میباشند. در قالب خمینی بهترین نماینده سیاسی خود را یافته بود، که از سوی خواسته‌های محدود و محدود میریالیستی اش را تحت لوای مبارزه دیرینه، خمینی با استعمار و سلطه بیگانگان دنبال میکرد، و از سوی دیگر مبارزه اش را بر علیه دیکتاتوری سرمایه انحصاری و وابسته یا عبارتی حکومت مطلقه شاه میتوانست هدایت کند. در عین حال هیچ رنگ و بویی از افراط و مبارزه بر علیه سرمایه و دغدغه و تشویش که از افراط گری مجاهدین خلق داشت در اینجا چشم نمیخورد، و اطمینان کاملی از امکان ثروت اندوزی در حکومت آینده برایش وجود داشت. چنانکه پیش از قیام، خمینی حتی سرمایه داران بزرگ را در کنایه خود جای داده، و به آنها امان میداد، و بخصوص بعد از قیام به آنها در برابر بزرگ‌دوستان خود نگاه تکیه میبندید.

"پس از پیروزی انقلاب مردم، وی چندین بار سه سرمایه داران و بازاریان اطمینان داده است که تا زمانی که وی زنده است، کسی نمیتواند متعرض آنها شود سرمایه‌ها یا بیتان را بگیرد. و در مقابل

اتحاد پولادین کارگران و زحمتکشان، نظام پوسیده

کارگران را از کم‌کاری و اعتماد و تحسن بسیار میدارد، و مرتباً آنها را در همین شرایط ظالمانه استثمار می‌کند و به کار دعوت میکند، و از سرمایه داران میخواهد که آزادانه به سرمایه‌گذاری خود ادامه دهند، و در ضمن حقوق کارگران را هم بدهند، تا سرو صدایان در نیاید!" (همانجا)

خمینی سرعت تبدیل به رهبر نیرومند جنبش توده‌یی گردید، و بسا توجه به هاله مذهبی ناشی از مرجعیت اش و نیز بازنشانی پذیری اش درگذشته، نفوذ و اتوریته چشمگیری نظیری در میان توده‌ها بدست آورد. اما این فقط خمینی نبود که جنبش توده‌ها را هدایت میکرد، بلکه شبکه‌شبه تشکیلات روحانیت و گروه‌های مذهبی - سیاسی خرده‌بورژوازی سنتسی مرفه بودند که زمینه‌رهربری خمینی را فراهم نیکردند. هم‌اینان نبودند که اعلامیه‌ها و توصیه‌های او را بلافاصله با تیراژی در گوشه و کنار مملکت و در هر کوی و برزن پخش میکردند. و حتی هم‌اینان نبودند که تا حدودی سیاست او را تعیین مینمودند.

رهبری خمینی برجسته عظیم خلق در حقیقت رهبری خرده‌بورژوازی سنتی مرفه در مبارزه خلق بر علیه رژیم‌ها کم‌بود، نه رهبری خرده‌بورژوازی در کل، زیرا که خرده‌بورژوازی در مجموع خود وحدت و پیوستگی درونی لازم را نداشت، که مشی و سیاست یکپارچه و واحدی را عرضه کند، و نیز نمایندگی سیاسی واحدی برای خود فراهم نماید. خرده‌بورژوازی از یکسو سازمان مجاهدین خلق و دکتر شریعتی و نظرات رادیکال آنها را بر علیه سرمایه‌داری و استثمار و طرفداری از جامعه‌یی بی طبقه، برابری و قسط از خود بیرون میدهد. و از سوی دیگر روحانیت خمینی و گروه‌های تشکیل دهنده سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را که سخنی از مبارزه بر علیه سرمایه‌داری و دفاع از جامعه‌یی طبقه‌بیمیان نمی‌آورند. اما در عین حال باید توجه داشت که خرده‌بورژوازی در قبال سلطه سرمایه‌داری وابسته و وحدت نیز ندارد، که در استقلال طلبی و فدیت با امپریالیسم و بسا دیکتاتوریت متجلی میشود. استقلال طلبی و آزادیخواهی جنبه عمومی و وحدت خواهی بخش‌های مختلف خرده‌بورژوازی را میرساند. حال آنکه فدیت با سرمایه‌داری و استثمار و طرح شعار "جامعه‌بی طبقه" خواست ویژه خرده‌بورژوازی فقیر و رادیکال است. مبارزه قاطع خمینی بر علیه رژیم‌ها کم‌برجعه سرمایه‌داری و وابسته بر علیه سلطه امپریالیسم در شرایطی که بورژوازی هرگز نمیتواند و نمیخواهد در این مسیر مبارزه کند، بخوبی ماهیت خرده‌بورژوازی مبارزه‌وی را با ثبات میرساند. اما از آنجا که خمینی و روحانیت پیرو آن در مبارزه بر علیه رژیم‌ها کم‌هیچ برخوردی با سرمایه‌داری نداشته، هیچ محدودیتی جز خصم و سهم اما مو... برای ثروت، سرمایه و بخصوص زمین قائل نبوده، و حتی برعکس آزادی و حقوق سرمایه‌داران را تضمین میکردند، بخوبی اثبات میشود، که این مبارزه خاص بخشی از خرده‌بورژوازی است، که همان خرده‌بورژوازی سنتی مرفه میباشد.

شعار معروف رهبری جنبش انقلابی توده‌ها نیز بخوبی ماهیت طبقاتی رهبری آنرا یعنی سیاست خرده‌بورژوازی سنتی مرفه را منعکس مینمود. شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" "انهم بهنگامیکه هیچ سخنی از موجودیت بورژوازی ملی در میان نیست، آشکارا مهر خرده‌بورژوازی سنتی - البته بخش مرفه آنرا - بر پیشانی جنبش میکوفت این شعار که در بورژوازی بودن آن جای حرفی در میان نیست، نمیتوانست شعبار بورژوازی لیبرال باشد. زیرا که بورژوازی لیبرال نه میتوانست و نه میخواست که در مقابل امپریالیسم استقلال داشته باشد، و به وجود هزا - رها تا مرئی و نا مرئی که رشته‌هایش را به امپریالیسم وصل میکرد، آگاهی داشت، چنانکه با زرگان در ابتدا با طرح این شعار مخالف بود، و حتی یکی از دستیارانش در سمنار مسائل اقتصادی گفته بود که "وابستگی امری قهری است" در عین حال، این شعار هرگز تمامیت خرده‌بورژوازی و بخش‌های مختلف آنرا نمیتوانست منعکس کند، بخصوص

که بخش رادیکال و فقیر خرده‌بورژوازی از مدت‌ها پیش مبارزه بر علیه استثمار و ثروت کلان و خواست جامعه‌بی طبقه را تبدیل به یکی از شعارهای مهم خود کرده بود. شعاری که پیوسته از جانب شریعتی و مجاهدین خلق مطرح شده، و عمومیت یافته بود.

خرده‌بورژوازی مدرن نیز که چندان میان خوشی با آئین‌ها و تشریفات غلیظ مذهبی نداشت، و مذهب را در شکل رنگ باخته و رقیب آن طلب میکرد، نمیتوانست خواستار حکومت اسلامی و سلطه آخوندها باشد. شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" غلیظ آنکه نسبتاً بیان‌کننده جنبه وحدت منافع خرده‌بورژوازی در مجموع بود، بطور خاص و بمناسبتی دقیق شعار خاص خرده‌بورژوازی سنتی مرفه بود. نه تنها این شعار که ترکیب اجتماعی پیرامون آن، خمینی و روحانیت پیرو آن، و ارتباط تنگاتنگ بین با زار و روحانیت، نیز دلیل بارز آشکارا ماهیت خرده‌بورژوازی سنتی مرفه روحانیت پیرو خمینی و خود خمینی بود.

رهبری خرده‌بورژوازی خمینی بر متن فقدان رهبری پرولتاریا در جنبش توده‌یی و سپس خلا رهبری سازمان مجاهدین خلق یعنی خرده‌بورژوازی سنتی رادیکال و تا حدودی خرده‌بورژوازی مدرن، بر احوالی و سرعت تأمین شد، که این امر تا حدودی محصول تغییرات ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق بود. شکست جریان سیاسی مجاهدین خلق حکم نقطه عطفی را در مبارزه طبقاتی میهن ما داشت و نشان میداد که تشدید تفاذهای طبقاتی و قطب‌بندی طبقات به آن حد رسیده که مانع از آنست که خرده‌بورژوازی فقیر و مرفه تحت سیاست واحد و منافع کاملاً مشترکی براتیک سیاسی یگانه‌یی داشته باشند. خرده‌بورژوازی سنتی مرفه که از شعارهای رادیکال سازمان مجاهدین خلق "ما رگزیده" شده بود، دیگر هرگز حاضر نبود که به رهبری آن تن در دهد. چنانکه در جریان جنبش انقلابی ۵۷ بهر وسیله که میتوانست، در صدد تضعیف و زمین‌دار کردن مجاهدین خلق تلاش مینمودند. و از آنجا که خرده‌بورژوازی فقیر از لحاظ سیاسی ضعیف شده بود، و نتوانسته بود نمایندگی سیاسی خود را برپا کند، بجای آنکه همچون گذشته خرده‌بورژوازی سنتی مرفه را در پی خود بحرکت درآورد، خود بدنبال آن روان شد.

به ترتیب، خرده‌بورژوازی سنتی مرفه باز عا مت خمینی توانست رهبری جنبش انقلابی خلق را در دست بگیرد، و پرولتاریا و خرده‌بورژوازی فقیر و رادیکال و حتی بورژوازی لیبرال را بدنبال خود بکشانند. رهبری خرده‌بورژوازی سنتی مرفه هر چند که توانست توده‌ها را بدنبال خود بکشد، اما بدلیل وضعیت خاص این قشر که نزدیکی زیادی با بورژوازی داشته و تفاوت ملموسی با بورژوازی کوچک ندارد، نمیتوانست مبارزه بر علیه امپریالیسم و در جهت طرد سلطه همه‌جا نه امپریالیسم را بطور جدی و قاطع دنبال کند. سازش‌همکاری آن با بورژوازی لیبرال و از طریق وی سازش با امپریالیسم بر سر انتقال قدرت بدست بلوک خرده‌بورژوازی سنتی مرفه و بورژوازی لیبرال و سپردن قدرت دولتی (کا بینه) بدست بورژوازی لیبرال بدون آنکه هیچ نقش مثبتی در جنبش عظیم خلق داشته باشد، نتیجه طبیعی وضعیت اقتصادی - اجتماعی این قشر بود، که تا گزیرش میساخت، با بورژوازی و در نتیجه با امپریالیسم راه مدارا و سازش را در پیش گیرد و مبارزه با پرولتاریا را بر مبارزه با امپریالیسم ترجیح دهد، و چه خوب "آرمانستضعفین" از موضع خرده‌بورژوازی رادیکال خود مینویسد:

"اصولاً مبارزه خدا میریالیستی با خداستعماری وی (خمینی) هیچوجه نمیتواند یک مبارزه اصل باشد. چرا که یک مبارزه اصل خدا میریالیستی میباشد بطور کلی در سه جنبه خدا میریالیستی، خداستعماری و خداستعماری حریفان یابد." (همانجا)

"ادامه دارد"

سرمایه‌داری وابسته را درهم کوبید!

خفاش های آهنگین ارتش
جنا جنگار و رجا و زکرا مبرسان
لبیم آمریکا، در دل سادس
صدها کیلومتر از خاک میبوس
زحمتگنان را در نور بدینند
و در پیکار در پیش ما حشید
نده رو دادند. اما، طوفان
ش، با عوامل دیگری که ما
ارتان بی حیرم، ما موریت
آنیار با اسکت مواج کرد و
بی از با زکس نجا و زکران بد
پانگادهای خویش و انلامند
کاخ سفید میسوی سوزگشت
عملیات بود که حکومت مسد
امیرالینت! جمهوری ایلیان
خسند و کوفند؛ ز مباران شیانه
سندج، در حالیکه هتسور
خون شهدای دانشکا دکدیبر
اند امتن نکت زده ختک نس. ده
بود، چنان خواب آلوده خو
یش را مالید و با و ناخت هم
حدهما منر، در اولین اعلامند
ستا دمترک ارتش خویش
اعلام کرد "مواپیمانای آز
یکایی در پی تعقیب نگاری
های ارتش مجبورید فرارند
ند" دروغی که حتی خودشان
حرات نکردند در سرویش های
سعدی خیری آن را بخت کنند.

مورد استوال فرار میدهد.
ارتش جمهوری اسلامی،
کدیقول محمد زهیران سانی
ومذهبی رژیم، از سرور دست،
حالا دیگر اسلامی و مردمی
ندودر خدمت امت اسلامی
است. در این میان "خیرد
مردمی" "خوش را خویشی
نمان داد، خدا میرالینت
بودن! ارتش اسلام
آغدورسورین در آمد اس
خط سادد حالت شامری
این ارتش و باران عناصر
جارج ارتش، آنقدر سحت
عدا است که حتی بجای از هم
ب خاکمدر ا کد خود آت بودند
سوزوی ارتش ریخت بدجواس
افکنده است. روزنا مسد

کوسیدن خلق استغاده کبند.
کویی صد انقلاب هرکز کا بسوس
سارزات خلق را فرا موز
نمکنند.
بازی، فرمانده سبوری
خواستی "اسلامی" کدمه نیادت
دهیا افشاگری، ارتقا جلان
سرسورد رژیم ساه و مریبی
طنیای "سرماد مطلق"
بوده است. در حالیکه دست
سای خود را کم کرده است دخالت
تایبری را در داخل، در همکا
زی با این طرح مسدیر دما
ساکند میسکند کداس عناصر
داخل ارتش هستند و او سر
چون دیگر همالکی هایش
با و فاجت هر چند ساسر
سپروهای انقلابی را منبهم

دلیران دادا سجویان انقلابی
و کمونیست سنت داده وجود را
خدا میرالینت و سپروهای
انقلابی را تا ملود مسد
شاید حاصربند، آنیاسرای
خلوکیری ارتش بودی خویرند
هر کس و حاکم کس، هر
اسراوسپینی دست مسرند
و بحوسی آکا هند کدسون سرد
کوب سروغانی انقلابی
و کمونسست، کدست حسیند
سرومدختی کرد بحساب
مسد، فادرسیند مسد
سروکوب خلق بیزمان کسرد
ببردارند.
حیات خاکمند، کددر هر حال
در کبرتخا دهایی با امیران
لبیم آمریکا س، بحوسی

سرت سما تمبدهها میسکند
کد "سورا سورا مالید" از
اشکارا ب انقلابی بوده هتا
دو چندا بیتر ارتقا مسد
انصادی و دخالت ساسی
و حست دارد.
محمد پیام های جا جنای
هبات خاکمدر این اردحالت
سای امیرکا مظللمد کبند
هر کوس برای کم کردن و حست
امیرالینت، حوست کردن
سپروهای انقلابی و سعی
در سروکوب آنیار و در مسد حواج
سربدا امیرالینت آمریکا
دادن، هرود دیگری بحسم
سبحورود.
سارها و سارها کفند ایم کد
سارزات خدا میرالینت سسی
سمنواندا رما زره برعلیه
نظام سربا بداری و اسند خدا
سند وجودود، سرعت و فایع
سدا نیاکد در هبات خاکمند
سسال جناح انقلابی میگرد
سند در سوجا اهدا داد! اما تلبرغم
محمد این بحریات، تلبرغم
جنت سندرکوب، در اواج مباد
رزات خدا میرالینت، کد
سادهایش در هجوم سدا
سادهها، بسن دفاتر سایی
سکیری انقلابیون کمونسست
حطه و حسیا سبد کردسان، سبد
حاک و خوین کسعدن حواسان
رحمتگان و طیفند کار کسور،
وسپروهای انقلابی و کموس
سست را کد موجودیش را دار
سبدخطر میاندازند فرا موش
کند، آنیار، از بعضی سپروهای
دموکرات، درک طیف سایی
روشنتری دارند!

بمباران هلی کوپتر حامل اسناد

یا

مبارزه ضد امپریالیستی ارتش اسلامی

لبیمی این هیات خاکمدر ای
یانی نیست! زیر این از آن،
سروی خواستی جمهوری ایلیان
ایران، در حالیکه از سبیا
ران شیرهای سفرو سسندج و
سروان با ز میگشت و رسالت
نا بودی شیرها و کسبار
زحمتگنان را بدانجا مرسانند
بود، درنت، عملیات تکمیلی به
سارودی هلی کوپترها سسی
پرداخت کداسا در طرح حلسد
آمریکا را در خود جا دادده مسود
ندوبای این عمل، برای همس
این اسانرا بد کور سسردو
سای سربند درک در کسری
نظامی! امیرالینت
آمریکا سفا بلد سراسا!

جمهوری اسلامی و صبح آرزاد
کان و کتیان، کد حاکم سایی
از هیات خاکمدر اما سندی
میکنند، سفقاً در سادد حالت
ارتش در این سالند سسدا ر
داده اند، اما فدا سقلاب
حیی در این هتد ارتش، خلق
را از قلم سبند! حید و سعی
میکنند این حادند را بد کور سس
و جریان های انقلابی و
کمونسست، این دشمن سر
سختا امیرالینت، سسست
دهد، هر چند که هتد سسست
برای سرسی نلل سساران
هلی کوپترها و کسکی وانعد
ار طرف سورا ای انقلاب سس
منظف کسل مسود، اسادر
همان فص، حیدر ماحد سدا،
و حیدر مفا لدها، سعی سدر هم
ریحس و حراب کردن سسرد
سروهای انقلابی داسسد
و سحوا سسدا را ای وانعد کس
سست اطلی اسان ماسسند
خلقی خودسان است، برای

میکنند! وسی سدر در یک اعلام
مسد، از مفا سات سسستول
سحوا حید مفا حید تکند سسدا
موجب سسردی فراهم سسدا
اساره سنی سدر مفا حیدها
سی اس کد ارتش را منبهم سس
دخالت در این وانعد میکنند!
رژیم جمهوری ایلیان کد
از هر شکست برای خویش، حجاب
سدا ی از قهرمانی ها و سپرو
زی ها میسازد، این بار سسرد،
این سکت سسفا ندو حقات
آمیژ خوش را سپروزی سسردکی
سحاب آورده، پیام سسای
سبرک سسدا ده سعی میکنند
از آن سسفع خویش و در چسست
سروکوب خلق بیزمان ایران
و در در جد اول خلق کسرد،
اسفا ده کرده و سپروهای
کمونسست و انقلابی را ملووت
کند.
رژیم سسیرما سددحالیست
نظامی امیرالینت را سسند
مبارزات خلق کرد و مفا و مسد

درک میسکند کد سسمنوان سس
سپانند، این سفا ده سسدا،
رحمتگان و طیفند کار کسور،
وسپروهای انقلابی و کموس
سست را کد موجودیش را دار
سبدخطر میاندازند فرا موش
کند، آنیار، از بعضی سپروهای
دموکرات، درک طیف سایی
روشنتری دارند!

حیات خاکمند، تلبرغم
حناج سسندینای آن، تلبرغم
اختلافات سس این حاج سسدا
سدمنا سفا ند بعضی اسپروهای
دموکرات ماسد "ساز سسسان
مجا حدین خلق سسدا بدل حوس
کرده اند، دشمن وانعی خویش
را بحوسی سسساند، کد ارتکران
و رحمتگان! آنیاسعی سسکند
سبارزات خدا میرالینت سسی
نودهها را منحرف کرده و اسکا
زات انقلابی نودهها را در سسفا
خسدا رسد، سی سسست سسست
کد سسدر بد سسپا سس سسارود
خدا امیرالینت سسی، با حسم و

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!